

در مکتب بقیة اللہ

رحمہ

مہدی

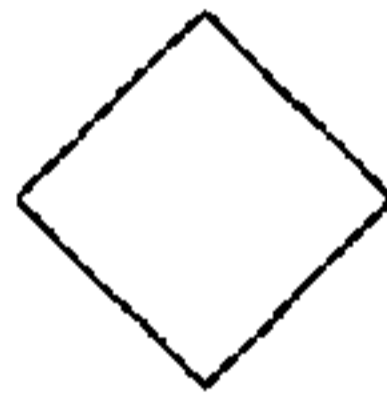
حضرت



دکتر علی قائمی امیری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در مکتب بقیة الله
حضرت مهدی (عج)



دکتر علی قائمی



در مکتب بقیة الله

حضرت مهدی (مج)

دکتر علی قائمی امیری



ناشر ◆ پیام مقدس

نوبت و تاریخ چاپ ◆ اول - بهار ۱۳۸۵

تیراژ ◆ ۳۰۰۰ جلد

قیمت ◆ ۴۵۰ تومان

ISBN: 964 - 9925 - 13 - 9 ◆ شابک: ۹ - ۱۳ - ۹۹۲۵ - ۹۶۴

حق چاپ و نشر برای نشر پیام مقدس محفوظ است



آدرس مکاتبات: قم، صندوق پستی ۴۱۱۴ - ۳۷۱۸۵

تلفکس: ۰۲۵۱ - ۷۷۴۹۹۰۶

مرکز پخش: ۰۹۱۲۳۵۳۰۳۱۵ - ۰۹۱۲۵۵۲۴۲۱۸

فهرست

- پیشگفتار ۵
- نگاهی به آینده‌ی بشر ۸
- مهدی و مهدویت ۱۴
- مهدی موعود در اسلام ۲۰
- غیبت و زندگی امام ۲۸
- زمینه‌های ظهور ۳۴
- ظهور و قیام ۴۰
- جامعه‌ی سیاسی او ۴۶
- جامعه‌ی معنوی او ۵۳
- جامعه‌ی اقتصادی او ۵۹
- در بُعد اجتماعی ۶۶
- در بُعد فرهنگی ۷۲
- ما و انتظار مهدی (عج) ۷۹
- تلاش‌های جنبی ۸۶
- روابط و دیدارها ۹۲



سخن از بزرگ مظلوم تاریخ، کعبه‌ی آمال عدالتخواهان،
گرانقدرترین ذخیره‌ی الهی، حضرت مهدی موعود است.
همان کسی که امروز بنا به مصالحی از دیده‌ها غایب است و
روزی دست نیرومند خویش را از آستین بدر آورده و بساط
آلودگی و ستم را برمی‌چیند و عدل و امنیت و فراخ‌روزی را
برای بشریت به ارمغان می‌آورد.

رمز و راز وجود و ظهورش، قصه‌ی دراز است که بنیان آن،
مربوط به درگیری دو گروه از دو جنبه‌ی متضاد حق و باطل
است. او در صف حق‌خواهان است و در خط‌ایجاد و برقراری
حق و عدل و صلح و صفا. صف مقابل او، در خط‌جور و
تبعیض، فسادانگیزی و هتک حرمت‌هاست که نمایندگان آن
در طول تاریخ در عرصه‌ی هستی حضور و ظهور داشته و
امروز نیز در جای‌جای این جهان پهناور عرض وجود دارند. در
این میان، جمعی منتظرند که دست قدرت از آستین الهی

بیرون آید و به این شرایط ناهنجار، سامان بخشد.

عقیده‌ی انتظار، عقیده‌ی قدیمی، و در اسلام به عنوان عنصری مورد تأیید است. این اعتقاد در بینش ما برای منتظران، موجد تعهد و مسؤولیت مبتنی بر شناخت و التزام عملی به تعالیم و مقررات اسلام و نیز رعایت میثاق و تعهد و پیمانی‌ست که هر انسانی بین خود و خدای خود دارد.

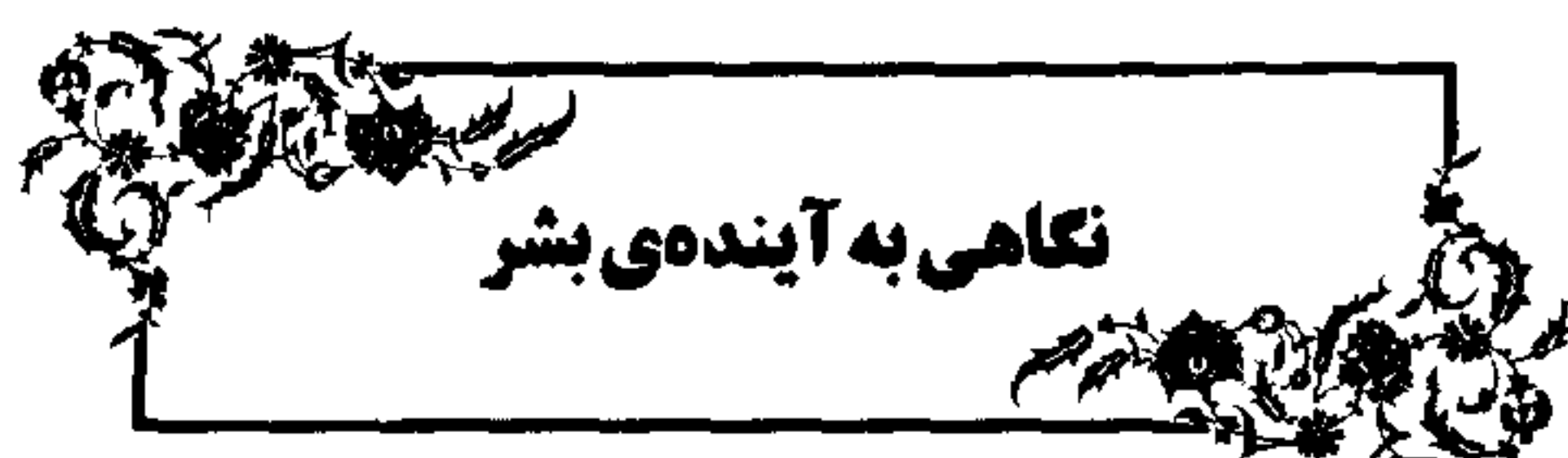
کتابی که در پیش رو دارید، در سلسله‌ی معرفی مکتب اولیای دین اسلام - که قبلاً نوشته‌ام - به آخرین امام معصوم (عج) اختصاص دارد. همه آنان نوری واحد و در خطی واحدند، اما در مورد شیوه‌ی زندگی و اتخاذ مواضع در برابر جریانات، هر کدام متفاوت عمل کرده‌اند و اصل این بوده که، رعایت اسلام و مصالح امت در آن مدنظر باشد.

کار ما در این اثر، ارائه‌ی تصویری نسبتاً روشن از حضرت مهدی (عج) و مسأله‌ی مهدویت، همچنین معرفی او و خط مکتبی او به منتظران است.

رسول خدا (ص) فرمود: «آن کس که امام زمانش را نشناسد و بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است».

متأسفانه دگرگونی واقعیت‌ها درباره‌ی حضرت مهدی (عج) و انتظار ظهور او، بسیار زیاد است تا حدی که در مواردی نزد عوام، مغز از میان رفته و زهر به جای آن قرار گرفته است. شیوه‌ی کار ما در این بررسی و اظهار نظر، مطالعه در اسناد و منابع اسلامی، استخراج مطالب به صورت فیش‌برداری،

دسته‌بندی و تنظیم فیش‌ها، بررسی و دقت در آنها، استنباط و برداشت و ارائه‌ی آن به صورت توصیف و بیان است. امید است کوشش ما در این اقدام، مورد رضای خداوند بوده و برای خوانندگان محترم سودمند واقع شود. طبیعی‌ست که خواستارانِ اطلاعات بیشتر، باید به منابع پر دامنه‌تری در این زمینه مراجعه کنند که خوشبختانه تعداد آنها در بازار و کتابخانه‌ها اندک نیست.



طلب آگاهی از آینده، امری عمومی و مختص همه انسان هاست. اما از میان انسان ها، فلاسفه و متفکرانند که برای آن وقت گذاشته و می‌خواهند نسبت به آن دیدی روشن‌تر به دست آورند و ارائه نمایند. اینان در این اندیشه‌اند که، آیا برای جدال بشر پایانی وجود دارد؟ آیا توده‌ی بشر را از این مهلکه‌ی خودساخته راه‌رهایی و نجاتی هست؟ و صد سؤال دیگر. سوالاتی از این قبیل، هم ذهن علمای الهی را به خود مشغول داشته و هم ذهن علمای مادی را.

جمع نظرات آنان را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

□ گروه بدبینان؛ که معتقدند آینده وضع بدتری از امروز خواهد داشت؛ زیرا انسان موجود استثمارگر، اهل حيله و فریب، زورمدار و استخدام‌کننده است و در طریق وصول به هدف، از آتش‌افروزی و جنگ، ترسی ندارد. سرنوشت صلح جهانی به دست کسانی‌ست که صلح و وحدت از دستشان

فراریست و خطر تیرگی به میزانیست که افرادی چون راسل می‌گفتند که: «معلوم نیست تا پایان نگارش این نامه بتوانیم از خطر جنگ در امان باشیم یا نه!»

□ گروه خوش‌بینان؛ که در رأس آنان، پیامبران الهی هستند (اگر چه برخی از مادیون هم با آنان همراهند) که معتقدند سیر تکاملی بشر دارای صورت تدریجیست، تا حدی که انسان از ظلم و ستم به جان آمده و بیزار می‌شود و به سوی رشد و انسانیت حرکت می‌کند و به جایی می‌رسد که در زندگی او نه فساد باشد و نه انحرافی.

حتا برخی از آنان مدعی شده‌اند روزی می‌رسد که گرسنگی همگانی شود، بمباران، شهرهای دنیا را فراگیرد، پس از آن، دوران آشوب‌های سیاسیست و پس از آن، نظام نوینی پدید می‌آید که در آن جنگ برای همیشه ممنوع شده و صلح و امنیت به بار می‌آید.

□ گروه سوم نظریه مشروطی را عرضه می‌کنند. آنان می‌گویند که آینده‌ی بشر شیرین و گواراست. بدان شرط که تحولی در زندگی فکری زمامداران پدید آید و رستاخیزی معنوی، آنان را به سوی خیر و رفاه بشریت سوق دهد. حکومت واحد جهانی با کنترل بین‌المللی ایجاد می‌گردد و ستمکاری و انحراف را از میان برمی‌دارد. فلاسفه‌ی الهی، این نظریه را تعقیب کرده و برای آینده، فرجام خوشی، عرضه می‌دارند.

عوامل تقویت این نظریه ها بسیارند. مثلاً در جنبه‌ی فردی، بدبینان، انسان را ذاتاً پرخاشگر، عاصی و طاغی، مغرور و خودخواه و خودپسند و خودبین، حيله‌گر و فریبکار می‌دانند و این خود عامل تداوم فساد است. حال آنکه خوش‌بینان عواملی فوق‌العاده را می‌دانند و می‌گویند که بشر روزی بر سر عقل می‌آید و بر هوای نفس غلبه می‌کند و زندگی او و در نتیجه اجتماع، رنگ و بوی الهی پیدا می‌کند. کمال‌جویی، بیداری، تجدید خاطرهای انسانی از وجدان و حق، کار را به امنیت و صلح و صفا می‌کشاند.

بدبینان، جریان اجتماعی را دلیل بر تأیید خود یافته و مسائلی چون: تبعیض در جامعه‌ی جهانی، بُروز اعمال وحشیانه میان مردم، ملیت‌پرستی، لینچ کردن سیاه‌پوستان، خونریزی و آدم‌کشی را سند می‌آورند. در حالی که خوش‌بینان، همه موارد فوق را از امور عارضی دانسته و زمینه را برای سرخوردگی و در نهایت، ظهور حقیقت، دوستی، بیداری تدریجی عقول و ترک محرومیت‌ها، اختلالات عصبی و سوء تربیت مطرح می‌کنند.

برخی از بدبینان، از شرایط نابسامان سیاسی در دنیای امروز بحث می‌کنند و متذکر می‌شوند که بازگشت از این وضع و شرایط محال است؛ زیرا سران جهان دائماً در اندیشه‌ی افزودن قدرت و سیطره‌ی خود بر جهانیان هستند. دائماً بر دامنه‌ی تسلیحات می‌افزایند و هزینه‌ی را که به آن اختصاص

..... نگاهی به آینده بشر □ ۱۱

داده‌اند که به تنهایی قادر است گرسنگان جهان را سیر کند. در حالی که خوش‌بینان همه این امور و جریان‌ات را زمینه‌ی برای بازگشت به صلح و امنیت می‌دانند و می‌گویند کاروان بشریت پس از سرخوردگی‌ها، به دنبال خطی می‌افتد که در آن، فساد و ناامنی از میان رفته و اخلاق و آدمیت بر او حاکم می‌شود.

بدبینان از شرایط دنیا ناراضی هستند و جنگ امروز را، جنگ افکار می‌شناسند و می‌گویند که افکار در جهان امروز واحد نیست. دستگاه‌های ارتباط جمعی و تبلیغی، اذهان را مغشوش و از حال اعتدال خارج کرده‌اند، در حالی که خوش‌بینان قائل به رشد عقل‌ها در آینده‌اند و معتقدند اوهام و خرافات، پایگاه خود را از دست داده و جهان رنگ و بوی الهی خواهد گرفت.

آنان بدبینان سخن از وضع اقتصادی در دنیای امروز دارند که مدنیت امروز، جهان را صف‌بندی و طبقه‌بندی کرده و استثمار و استعمار امری عادی است. در جامعه‌ی بشری از نوع دوستی و انسان‌گرایی، خبری نیست و حتا ثروتمندان مازاد تولید خود را به دریا می‌ریزند و حاضر نیستند آن را به کام درماندگان و یتیمان بریزند، ولی خوش‌بینان معتقدند مردم گرسنه‌ی جهان روزی سر برمی‌آورند و این وضع نابسامان را سامان می‌دهند و برای بشریت، امنیت اقتصادی و رفاه ایجاد می‌کنند.

اما اینکه دیدگاه ادیان در این مورد چیست، باید گفت همه

ادیان الهی از ابتدای تأسیس، مردم را به وجود و ظهور منجی وعده داده‌اند. همه آنان به نحوی سخن از مهدی موعود دارند. زرتشتیان او را «سوشیانس»؛ یهودیان او را «سرور میکائیلی»؛ مسیحیان او را «عیسی» و مسلمانان او را «مهدی موعود» می‌خوانند. در همه کتب آسمانی سخن از وعده‌ی است که در آن خبر از بروز جنگ و درگیری عظیم برای بشریت است و پس از آن ظهور مصلح، که برای بشریت صلح و امنیت می‌آورد. حتّا در کتب زرتشتی که مقدّم بر کتب تورات و انجیل و قرآن است، این نوید به چشم می‌خورد که سرانجام مبارزه‌ی پیگیر حقّ و باطل منجر به پیروزی حقّ و عدالت خواهد شد. شرور و ستم از بین می‌رود و صلح و صفا در جهان پدید می‌آید و آدمی نباید از آینده ناامید باشد.

این وعده در کتب و عقایدی که شبیه مذهبند نیز دیده می‌شود. حتّا در کتب هندوها آمده که در آخرالزمان پیشوای عادلّی ظهور می‌کند که طرفدار حقّ و راستی است، او زمین را از پلیدی‌ها پاک می‌سازد. حتّا نوشته‌اند که بر ابرها سوار می‌شود و فرشتگان با او همراهند و از عدل او، میش با گِرد آب می‌خورد.

اسلام در مورد آینده‌ی بشر با قاطعیّت و صراحت، دید خوش‌بینانه‌ی خود را عرضه می‌دارد و حتّا می‌گوید که، اگر از عمر جهان بیش از یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از نسل رسول الله و از تبار اهل بیت از

جای برخیزد و جهان را پر از عدل و داد کند. اسناد و روایات اسلامی در این عرصه بسیارند.

در فلسفه و رمز و راز این خوش‌بینی راجع به فرجام حیات بشر، نکات بسیاری در خور ذکرند. از جمله:

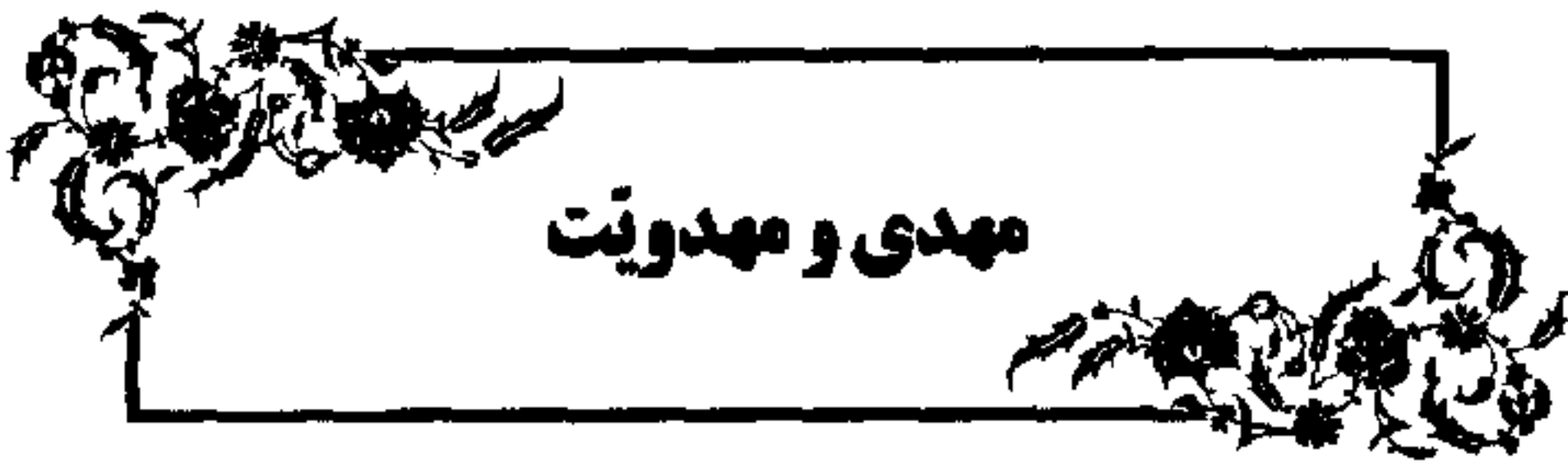
□ سیر تکاملی انسان، بویژه در این رابطه که فطرت همه انسان‌ها، کمال طلب، حقیقت‌جو، دنیادوست، آزادی‌خواه و... است.

□ سیر تکاملی جهان، که سیری کمالی‌ست و آفرینش بیهوده و باطل نیست. در این سیر همه چیز بر اساس سنت الهی‌ست و در سنت الهی، داشتن غایت، یک اصل است.

□ وعده‌های صریح خداوند در قرآن که وعده‌ی ورود بندگان صالح را بر زمین دارد، دین خود را بر همه ادیان برتری می‌بخشد و یا مقرر کرده است که خط پیامبران، خط پیروزی‌ست.

□ ترک یأس حتماً در سخت‌ترین شرایط حیات که اگر کار به بن‌بست هم بکشد و هرج و مرج دنیا را فراگیرد ما حق ناامیدی نداریم.

□ مسأله‌ی انتظار حتماً در پیامبران و ائمه که خلیفه‌های خداوند هستند نیز وجود داشته و آنان هم در انتظار بوده و مردم را به عقیده‌ی انتظار دعوت کرده‌اند.



مهدی و مهدویت

نام و عنوان «مهدی» برای جامعه‌ی اسلامی، بویژه شیعیان، نامی آشناست. او برای منتظران مایه‌ی امید است و تحقق‌بخش هدف انبیاست. بنیان‌گذار عدالت نوین اسلامی و خلیفه‌الله و بقیه‌الله است. در همه ادیان و حتا شبه ادیان، او را قدرتمندترین، مبارزترین و تحقق‌بخش‌ترین ایده‌ی انبیا می‌شناسد و همه ادیان، مردم را به ظهور چنین فردی نوید داده‌اند. البته برای او از نظر تبار و خصایص، تفاوت‌هایی را قایلند، ولی از نظر عمل و تلاش، همگان یک‌گونه کار و فعالیت را به او نسبت می‌دهند.

□ در کتب زردشتیان آمده است که او پس از ظهور، بر مردم زمان چیره شده، عدالت را زنده می‌گرداند و سنت‌ها را به حالت اول برمی‌گرداند.

□ در آیین مسیح آمده است که پیش از ظهور، علایمی رخ می‌دهد، مثل: جنگ و خونریزی، آمدن پیامبران دروغین،

فزون‌ی معصیت، همچنین انسان می‌بیند که او بر ابرهای آسمان سوار شده و با قوت و جلال عظیمی ظاهر می‌گردد.

□ در کتب هندوها آمده است که پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا می‌شود که پیشوای خلائق می‌باشد و نامش منصور است. او تمام عالم را می‌گیرد و همه کس را از کافر و مؤمن می‌شناسد و هر چه از خدا بخواهد، خداوند به او عطا می‌نماید.

در میان اقوام این اندیشه با مختصر اختلافی وجود دارد؛ حتا بین نژاد اسلاو و ژرمن، صربستان، برهمنیان، انگلیس‌ها و... در همه آنها مسأله‌ی انتظار فردی ابرقدرت است که قیام می‌کند و زندگی بشریت را سامان می‌بخشد. حتا نوشته‌اند که او می‌آید و اختلاف طبقاتی را از میان برمی‌دارد. آنان نیز مردم خود را به انتظار فراخوانده‌اند.

□ اسلام اصل وجود حجت خدا را مطرح کرده و متذکر شده است که، خداوند هیچ‌گاه زمین را از حجت خود خالی نمی‌گذارد و هر کس وظیفه دارد که حجت خدا را بشناسد و بر اساس خطا و راه او باشد. اسناد اسلامی ما او را از نسل پیامبر خاتم، از ذریه‌ی علی و فاطمه و از نسل حسین معرفی می‌کند و فرزند امام عسکری می‌داند. او در دوره‌ی از زمان، غیبت می‌کند و آن‌گاه در زمانی که خدا می‌داند - ظاهر می‌گردد و جهان را پر از عدل و داد می‌کند تا اثری از ظلم نباشد.

اسناد روایی ما سخن از یک مهدی دارند نه چند مهدی، و

او را از اهل بیت معرفی می‌کنند. نوشته‌اند که دولت او حتمی و آمدنی است، بر همه ممالک جهان مسلط می‌گردد و مردم جهان از او پیروی می‌نمایند. رسول خدا (ص) فرمود: «شما را به مهدی مژده می‌دهم، او زمانی در میان امتم مبعوث خواهد شد که مردم در شرایطی نامتعادل و در آشوب و هرج و مرج می‌باشند، منکر قیام مهدی و تکذیب‌کننده‌ی او، کافر است.

□ اندیشه‌ی مهدی‌گرایی با اینکه در قرآن و سنت سند دارد، ریشه در فطرت بشر نیز دارد. تحلیل روانشناسان این است که، اعتقاد به آینده‌ی کامل و به دور از هر عیب و نقص، ریشه در فطرت و درون بشر دارد که در واقع این امر نیز از تجلیات فطری است، همان گونه که حقیقت دوستی، زیبایی‌جویی، کمال‌خواهی، دفاع از خود و اندیشه‌ی خود، ریشه در فطرت دارند.

نیاز جمعی نیز آن را تأیید می‌کند. اصولاً از نظر علمی، بشر سه خواسته‌ی مهم دارد: رهایی از جنگ و آدم‌کشی‌های ناروا؛ رهایی از فقر و تبعیض و گرسنگی توده‌ها؛ رهایی از اختلافات، دورویی و تضاد و تناقض.

تحقق این خواسته‌ها در هیچ عصری توسط انسان‌های عادی ممکن نبوده و به همین خاطر، آنان به قدرت فوق بشری تمسک جسته‌اند و انتظار ابرقدرتی را داشته‌اند که بشر را از ذلت‌ها و پستی‌ها و تلخکامی‌ها و توخس و ستم و جهل و فقر و مرض برهاند.

انگیزه‌سازیِ انبیا نیز در این امر یاری رسان بوده است. پیامبران برای هدایت بشر، معنی‌دار کردنِ زندگی، آوردنِ قانون، تبیین حیات و فلسفه‌داریِ زندگی، بیان و تفهیم تعهد انسان، وظیفه‌مندی و مسئولیت‌داری او و ذکر این نکته که عُمر بشر به همین چند ساله‌ی زندگی خلاصه نمی‌شود، آمده‌اند از تلاش‌های انبیا، توجه دادن به کیفیتِ زندگی‌ست نه کمیت آن، توجه دادن به عدل و امنیت و آزادی‌ست نه زرق و برق‌ها.

بدین‌سان خطّ انگیزه‌سازیِ انبیا در داشتن یک زندگی انسانی، خود زمینه‌ساز تلاش در عین امیدواری و انتظار است. پیامبران این مسأله را مطرح کرده‌اند و لذا برای نفوذ دادن آن در ذهن و فکر مردم، انگشت بر فطرت آدمی نهاده و کوشیده‌اند امری را که بین انسان‌ها در همه جای جهان عمومیت دارد، در جان و روانشان زنده نگاه داشته و از این طریق سازندگی را بیشتر کنند. بدین‌سان می‌توان گفت که

ماهیتِ انتظار، کمال‌خواهیِ بشر و تحققِ قسط و عدل، راه‌گشایی به سوی آینده، آزادی و استقلال و عدالت همگانی، ریشه در درون انسان دارد که با تأیید بر همگامی با بنای آفرینش همراه است. بازگشت باید به سوی کمال باشد و این سیر کلیِ پدیده‌هاست که انسان‌ها را نیز در بر می‌گیرد.

شدتِ خواستن برای آنان که اهل فهم و بصیرتند، به حدّی‌ست که خواب از دیدگان می‌رباید و حتّاً برخی را از غم

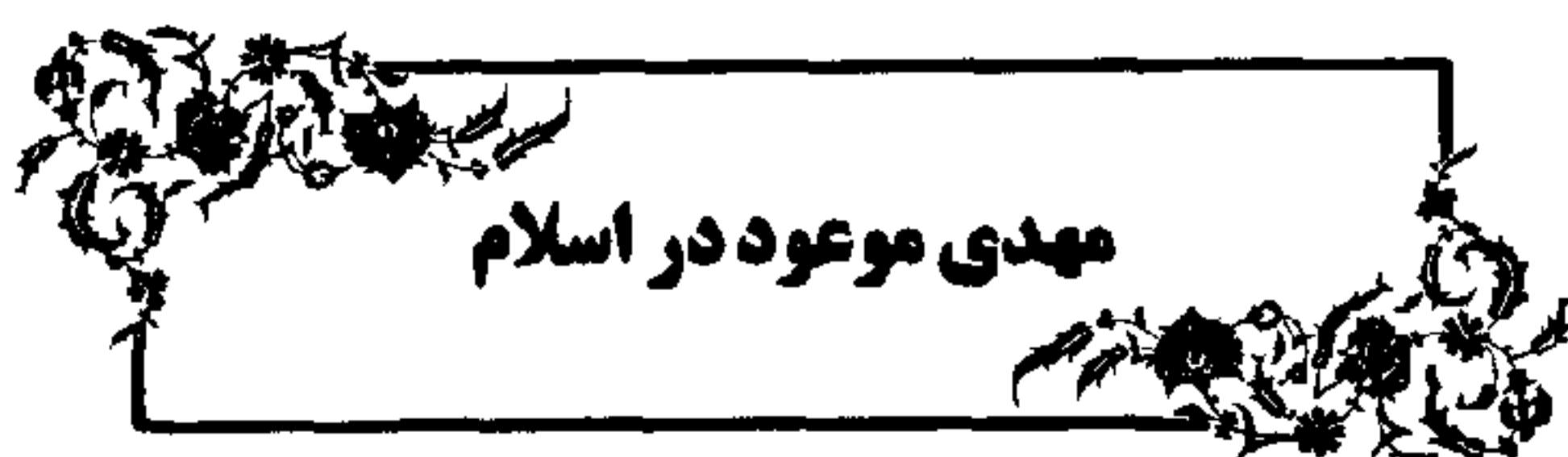
فراق به گریه می اندازد. در عین حال، انتظار برای آنان که از دیدن وضع و شرایط سیاسی و اجتماعی، حساسیت دارند، امری تسلی بخش است. انتظار به آدمی امید و نشاط می دهد و او را به حرکت و سعی متعهدانه‌ی وامی دارد. اما در مورد اهمیت آن، باید نکات مهمی را ذکر کرد که از جمله‌ی آن، داشتن یک زندگی شرافتمندانه است و چنین زندگی‌یی نیازمند به رهبر و الگویی دارد؛ هم از جهت خطدهی و هدایت و هم به عنوان عامل دلگرمی و پشتگرمی انسان. بویژه آن رهبری که جنبه‌ی قدرت و الهام خود را از خدا بگیرد و در چهره‌ی هسته‌ی مرکزی جهان، خورشید فروزان الهی باشد و در اندیشه و عمل و رفتار اخلاص داشته، و از همه مهم تر معصوم از گناه باشد.

به خاطر اهمیت مهدی و موقعیت و حرمت او و انتظاری که از او داشته‌اند، عده‌یی به طمع افتاده‌اند و خود را مهدی امت خوانده‌اند که این امر تازه‌یی نیست؛ زیرا هزاران تن پیش از اینان آمده و حتا خود را پیامبر خوانده‌اند. به گفته‌ی شهید مطهری، عده‌ی پیامبران دروغین بیش از عده‌ی پیامبران راستین بوده است.

این دعاوی در همه اعصار، حتا در دوران غیبت صغرای امام زمان تا عصر و دوره‌ی ما و قرن معاصر وجود داشته است. اسناد ما حکایت از آن دارند که، حتا قبل از ولادت او، در عصر امام باقر (ع)، امام صادق (ع)، امام کاظم (ع) و... عده‌یی خود را

مهدی خوانده‌اند و اقلیتی از مردم نادانی در هر عصری تسلیم آنان می‌شدند و بازار آنان را گرم می‌کردند. حتا در قرون بعد در آفریقا، مصر و نقاط دیگر هم، مهدی‌های دروغین قدم علم کرده‌اند.

بعدها نفوذ استعمار در این امر نیز دخالت کرد و در ایران بایبه و بهائیه، در هند قادیانیه و در عربستان وهابیت را به وجود آورد و اینها همه برای نفوذ در کشورها بود. چه بسیار فجایع و خونریزی‌ها که توسط این افراد بروز کرد و خوشبختانه هوشیاری علما و صاحب‌نظران، بسیاری از نقشه‌هایشان را خنثی ساخت؛ اگر چه عده‌یی هنوز دچار انحراف هستند.



درباره‌ی زندگی، حالات و صفات، ظهور و قیام و عملکردهای او پس از ظهور و تشکیل حکومت واحدش، خطوط حکومت و کیفیت حکمرانی و اقدامات حضرت مهدی (عج)، صدها سند و روایت وجود دارد که شاید درباره‌ی امامان دیگر هرگز با این وسعت و دامنه بحث نشده است.

مباحث مربوط به آن حضرت، ۲۵۰ سال قبل از ولادت او از سوی رسول گرامی اسلام و پس از او، توسط معصومین (علیهم السلام) مطرح شده و تعداد احادیث مربوط به او را تا ۴۰۰۰ حدیث و در مورد خصایص و ابعاد وجودی، اخلاق و رفتار او بالغ بر ۲۵۰۰ حدیث ذکر کرده‌اند. در این احادیث او را از نسل رسول خدا (ص)، از ذریه‌ی علی و فاطمه، از فرزندان حسین، دوازدهمین جانشین پیامبر، برهم زننده‌ی بساط ظلم و استکبار، برافروزنده‌ی پرچم عدل، پرکننده‌ی زمین از قسط و... معرفی کرده‌اند.

اسناد مربوطه به حضرت مهدی (عج) تنها در کتب شیعیان نیست که در کتب اهل سنت نیز فراوان و متواتر است. بزرگان اهل سنت، حتا آنان که تعصبی بسیار داشته‌اند، مثل: ابن حجر، در کتب خود از او بحث کرده‌اند. از صحابه‌ی رسول اکرم و از بزرگانشان نیز در مورد امام مهدی (عج) روایات بسیاری نقل شده و حتا برخی از آنان، کتب مستقلی را درباره‌ی حالات و رفتار و اخلاقش نگاشته‌اند و از ولادت، غیبت و ظهورش بحث‌ها رانده‌اند.

رسول خدا (ص) فرموده‌اند: «مهدی از فرزندان من است، نام او نام من، کنیه‌اش کنیه‌ی من، اخلاقش اخلاق من و رفتارش رفتار من است. مردم را به کیش و آیین من می‌خواند و به کتاب خدا دعوت می‌کند. هر کس اطاعت او کند، مرا اطاعت کرده، هر کس او را نافرمانی کند، مرا عصیان کرده است.»

روایات و اسناد، چه از شیعیان و چه از اهل سنت، جانشینان پیامبر را دوازده تن ذکر کرده‌اند که یکی پس از دیگری ست و یازده نفر آنان، از نسل علی و فاطمه‌اند. که علی خود خلیفه‌ی بلافصل است. برای اینکه بعدها در مورد مهدی (ع) و نسبش شک و سوء استفاده‌ی پدید نیاید، جزئیات مربوط به او را هم ذکر کرده و حتا نوشته‌اند که او نهمین فرزند امام حسین (ع)، چهارمین فرزند امام رضا (ع) و فرزند امام عسکری (ع) است.

البته برخی از متعصبان اهل سنت خواسته‌اند که این دوازده نفر را به غیر از علی (ع) و خاندانش معرفی کنند، آنان به سراغ بنی‌امیه و بنی‌عباس رفته‌اند!! آنان چهار خلیفه‌ی اول پیامبر را به رسمیت شناخته و آنگاه به دنبال هشت نفر بعدی رفته‌اند. می‌دانیم که بنی‌امیه ۱۴ تن بوده، بنی‌عباس ۳۷ نفر، که عبارت دوازده تن که نسل بعد نسل باشد، درباره‌ی هیچ کدام صادق نیست.

از آن گذشته، او دارای مقاماتی است که سزاوار مقام خلافت پیامبر است. مگر هر فرد آلوده و شرابخواری (مثل یزید، ولید، متوکل و...) این لیاقت را دارد که جانشین پیامبر باشد؟ او کسی است که حضرت عیسی در نماز به او اقتدا می‌کند، از پاک‌ترین و خالص‌ترین بندگان خداست، امید بشریت و موعود همه انبیای الهی است. تنها چنین کسی لیاقت دارد که پرچم توحید را در دنیا برافرازد.

تبار او شناخته شده است و با تبار دیگران سازگار نیست. جذّاعلای او، ابراهیم خلیل و جذّ دیگرش، خاتم انبیاست. او شجاعت و تقوای علی ار در درون، و خون حسین را در رگ‌ها دارد و وارث علم انبیا و ائمه است. سمبل اخلاص و مایه‌ی شکوهمندی و دوام دین خداست. بر اساس گواهی تاریخی، مادر او از نسل دختری یسوعا، فرزند قیصر پادشاه روم است و از نسل حواریون که در سلسله مراتب زاد و ولد به شمعون، وصی حضرت عیسی می‌رسد.

او دارای شرافت و اصالت ذاتی اخلاص فی الله است.

دستگاه ستم بنی عباس می دانست که از نسل امام
عسکری (ع) فرزندی این چنین پدید می آید که بساط جور و
استکبار را فرو می پاشد. به همین خاطر، سالها خانه‌ی امام
عسکری (ع) را تحت نظر داشتند که اگر فرزندی از آن خانواده به
دنیا آید، او را از میان بردارند. حتا زنانی را به خانه‌ی امام
می فرستادند تا ضمن آمد و شدها، از حاملگی همسر او باخبر
شوند و برای از میان بردن جنین، اقدام کنند، ولی خدا خواهد
آن جا که کشتی رود!

اینان از قدرت خدا غافل بودند و شاید نمی دانستند کسی بر
تدبیر الهی غلبه‌ی ندارد شرایط حمل مادرش نرجس خاتون
به گونه‌ی بود که حتا حکیمه خاتون، عمه‌ی امام عسکری (ع)،
که نزدیک‌ترین بانوی خانه به خاندان امام بود، از حاملگی او
خبر نداشت. زیرا آثار حمل در او نمی دید. هنگامی که امام
عسکری (ع) به او گفت امشب در خانه‌ی ما بمان که مولودی
گرانقدر به دنیا خواهد آمد، او از شدت تعجب وامانده شد و
ندانست که این مولود از کدام زن است؟

ولادتش پنهان بود، آنچنان که حتا نرجس خاتون هم
ندانست که امشب شب زایمان اوست. شب نیمه‌ی شعبان،
شب عبادت، شب دعا و شب خلوص است. حکمیه خاتون
می گوید که پس از نماز عشا خوابیدم، هنگام سحر بیدار شدم و
نماز شب را خواندم، ولی در نرجس اثری از حمل ندیدم. او هم

نماز شب خواند و خوابید. هنگام فجر، ناگهان نرجس مضطربانه از خواب برخاست و احساس درد زایمان کرد. لحظه‌یی بیش نگذشته بود که فرزندی پاک و پاکیزه در کنارش بود. او در برابر پدر لب به سخن گشود و شهادتین را گفت. حکیمه می‌گوید که تا هفت روز او را ندیدم، در روز هفتم او را نزد امام آوردند، او شروع به خواندن این آیه کرد: ﴿و نریدان نمَنَ علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین﴾.

این ولادت در شب نیمه‌ی شعبان سال ۲۵۶ بود (برخی سال ۲۵۵ را ذکر کرده‌اند). او محمد بن الحسن العسکری (ع) است با کنیه‌ی ابوالقاسم و ابی‌صالح؛ با لقب قائم، منتظر، صاحب‌الزمان، صاحب‌الامر و... او در کتاب پدر و از دید مردم، پنهان بود و معتمد عباسی زمامدار از این ولادت آگاهی نداشت.

برای اینکه ولادت پنهانی او بعدها وسوسه و شک نیافریند و بهانه‌یی به دست دشمنان نباشد، امام عسکری (ع) برای عده‌یی از شیعیان خاص این مسأله را مطرح کرد و حتا روز سوم ولادت، او را به عده‌یی از اصحاب خود نشان داد و فرمود: «او صاحب‌الامر شما پس از من است و جانشین من بر شماست. او همان قائمی‌ست که گردن منتظران به سوی او کشیده می‌شود و به هنگامی که جهان پُر از ظلم و جور شده باشد، او قیام کرده و آن را پر از قسط و عدل خواهد کرد».

در سال‌های بعدی، گروهی مرکب از چهل تن از شیعیان

به نزد امام عسکری (ع) آمدند که از حجّتِ پس از او بپرسند. امام عسکری (ع) حضرت مهدی (ع) را در برابرشان حاضر کرد و فرمود: «این فرد پس از من، امامِ شماست. از او اطاعت کنید! در کار و برنامه‌ی خود متفرّق نشوید که دچار هلاکت خواهید شد. پس از امروز دیگر او را نخواهید دید، تا زمانی دراز بر شما بگذرد. در کارهای خود به عثمان بن سعید مراجعه کنید که او وکیلِ امامِ شماست.»

حضرت مهدی حدود ۵-۶ سال داشت که پدرش امام عسکری (ع) به شهادت رسید. جعفر برادر امام عسکری (ع) آمد که بر جنازه‌اش نماز بخواند. که حضرت مهدی (ع) حضور یافت و عمو را کنار زد و خود بر جنازه‌ی پدر نماز خواند و مجدّداً از دیده‌ها پنهان گردید. مسأله‌ی غیبتش را رسول خدا (ص) و امامان بر حق، از قبل خبر داده بودند و بدین خاطر برای شیعیانِ آگاه از این امر، مسأله‌ی نبودن ولی برای افراد عامی همچنان جای بحث بود. اینکه می‌گویند او در داخل سرداب پنهان شده است و یا از آن جا ظهور می‌کند، افسانه‌ی است که جاهلان آن را ساخته‌اند.

خبر ولادت امام توسط جعفر و دیگران پخش شد و به گوش دستگاه زمامدار رسید. آنان جست و جوی خویش را آغاز کردند و حتّاً مدّتی حضرت نرجس، مادر او را زندانی نمودند طبق اسناد ایشان تا سه سال پس از شهادت امام عسکری (ع)، خانه‌اش تحت کنترل بود، ولی نتوانستند مهدی (ع) را بیابند.

چه بسا امام در کنار آنان بود، ولی او را نمی‌دیدند؛ زیرا طرح اصلی غیبت که از خداوند است. مگر می‌توان بر طرح خداوند غلبه کرد؟ البته این غیبت سبب شک و تردید عده‌یی از بی‌خبران نیز شده بود.

در مورد صفات و خصایص او نیز سخن‌ها گفته‌اند و نوشته‌اند که طولانی بودن عمر، او را پیر نمی‌سازد. البته کسی با آگاهی از این صفات فردی نمی‌تواند امام زمان را در جایی ببیند و بشناسد با اینکه او در میان جمع است. در مورد صفات دیگرش نوشته‌اند که او از اهل بیت است. هیبت و ابهت موسی را دارد، و چون عیسی (ع)، دارای وجهه و آبروست، چون داود (ع) دآوری و قضاوت دارد و چون ایوب (ع)، صابر و مقاوم است.

او داناترین، داورترین، پرهیزگارترین، حلیم‌ترین، بخشنده‌ترین و عابدترین مردم است. حضرت مهدی (عج) بینشی عمیق دارد، به حقایق دین و اسرار آن آگاه و از نظر اخلاق، سمبل و نمونه است، اهل وقار است، او متواضع‌ترین و مهربان‌ترین خلق خداست. دارای قدرت رهبری وسیع، و تشکیل‌دهنده‌ی حکومت جهانی است.

او معدن حکمت الهی، منبع هدایت، تکیه‌گاه خود، حجت خدا بر زمین، دعوت‌کننده به راه مستقیم، قائم به قسط و تلاشگری در راه حق است. او روشنی‌بخش ذهن، ولی المؤمنین، امین خدا، چراغ شب تار، ثابت‌قدم در امر دین خدا،

معمار جامعه اسلامی، اجراکننده‌ی احکام قرآن، و احیاکننده‌ی سنت رسول الله (ص) است. او اینک در پس پرده‌ی غیبت است، ولی خود و مردم در انتظار ظهورش هستند، تا آن‌گاه که خدا اراده کند و نعمت قیامش را بر بشریت ارزانی دارد.



غیبت و زندگی امام

امام زمان در پس پرده‌ی غیبت است، نه به این معنی که در سنگری یا در گوشه‌یی، در میان غاری مخفی شده و از آنچه بر مردم می‌گذرد، بی‌خبر باشد، بلکه او در میان ماست، با ماست، در مجالس و محافل ما حضور دارد، ولی مردم او را نمی‌شناسند.

آری، او غایب است، ولی نخستین رهبر غایب این جهان نیست. پیش از او، انبیاء و صلحایی بوده‌اند که از نظر مردم، به صورتهایی مختلف غایب بوده‌اند، مثل: حضرت موسی (ع)، خضر (ع)، عیسی (ع) اصحاب کهف و حتّا در ایامی از سال، حضرت محمد (ص) غیبت هر کدام بنا به مصالحی بوده و مدت آن گاهی تا که تا حدّی بوده مردم از او قطع امید می‌کردند.

این مسأله درباره‌ی حضرت مهدی (ع) کمتر مصداق دارد. از آن جهت که این غیبت را از قبل به مردم خبر داده‌اند و این

اخبار از سوی رسول خدا(ص) و از ائمه‌ی هدی(علیهم‌السلام) بسیار است.

حتّاً اسناد اسلامی تصریح کرده‌اند که، او دو غیبت دارد که یکی از آن دو به مراتب طولانی‌تر از دیگری است و سفارش کرده‌اند که دوران غیبت، خود امتحانی بزرگ است و ممکن است عده‌یی در آن متزلزل شوند. نیز فرموده‌اند که خداوند بین او و مردم حجاب افکنده که او را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند. در مورد طول عمر او عده‌یی شک کرده‌اند، غافل از اینکه حیات او را خداوند رقم زنده است. بویژه که این امر در گذشته نیز سابقه دارد و علم آن را محال نمی‌داند. حتّاً با توجّه به استثنائات موجود در طبیعت می‌توان مدعی شد که او در عالم انسان‌ها وجودی استثنایی است. آیا ولادت، غیبت او، و حتّاً ظهور و قیام او اینچنین نیست؟

در مورد رمز و راز غیبت از سوی بزرگان ما دلایل و اسنادی ذکر شده است، از جمله آنکه، آن را راز الهی خوانده‌اند که پس از ظهور، آن راز گشوده می‌شود، حکمت الهی است و خداوند آن را درباره‌ی برخی از صالحان اجرا کرده است. عامل امتحان است تا در عصر غیبت، ماهیت‌ها روشن شوند؛ او عامل تخلیص و سازندگی است برای منتظران است؛ وسیله‌ی پختگی و کسب تجارت برای آنان است که در کشاکش‌ها هستند. خواستاری خدا در ظهور افرادی صالح در صلب‌هاست؛ عامل حفظ جان مهدی از خطرهایست، طرد و ردیعت است از

زامداران غاصب، عدم تمکین است از ضوابط لغزش امور جامعه و بالاخره عدم امکان حضور او در برابر شرایط نامطلوب تر و... است.

اینکه این غیبت تا کی ادامه خواهد یافت، برای آن پاسخ روشنی نداریم. بر اساس روایات، این امر تا زمانیست که حتا بسیاری از دوستان به شک و شبهه افتند و فساد و آلودگی، گسترده و دامنگیر شود و مردم از شرایط موجود سرخورده شوند و از زامداران موجود قطع امید کنند و قلباً حاضر به قبول شرایط و تبعیت از خط راستین امام شوند. روایات ما می گویند که او در میان حیرت‌ها و تردیدها ناگهان چون ستاره‌یی درخشان ظاهر خواهد شد.

همچنین روایات و اسناد اسلامی ما برای غیبت امام، فواید و آثاری را بر شمرده‌اند و کوشیده‌اند که در عین بلا و ابتلای امت، آن را وسیله یرحمتی ذکر کنند. بویژه از آن بابت که آن سببی برای بروز رشد، کمالات، سازندگی، آمادگی، شکوفاتر شدن استعدادها، بروز عینیت‌ها و حقایق دین است و نیز سببی برای تکامل مغزها، معارف، و آمادگی‌های لازم، اما اینکه امام در این دوران چه نقش و اثری دارد، باید گفت که او واسطه‌ی فیض خدا بر مردم است؛ چه غایب باشد و چه حاضر. به برکت اوست که پدیده‌ها روزی می‌خورند و این امر در مورد پیامبران نیز صادق است. او مایه‌ی رحمت بر بندگان خداوند است و خدا به برکت او، بلاها را برمی‌گرداند و رحمت خویش

را می‌فرستد. نقش او همانند نقش خورشید در پس ابر است که در همه حال، روشنی زمین به برکت اوست، او پاسدار دین خداست و در تنگناها، به حلّ و رفع مشکل دینی می‌پردازند. پناهگاه و مایه‌ی امن و امان است و اَمّت به دلگرمی زندگی و حیاتش شادمان و دلگرم و امیدوارند. برخی از اسناد او را به قلب جهان تشبیه کرده‌اند. او به مرکز و محور هستی و رابطه‌ی بین خدا و نهایتاً، مایه‌ی حیات معنوی است.

او در نامه‌یی که برای یکی از بزرگان علم و فقه فرستاد، متذکر شد که: «ما در مراعات شما سهل‌انگاری نداریم، یاد شما را از خاطر دور نمی‌داریم و اگر اینچنین نبود، دشواری‌های سخت بر شما وارد می‌شد و دشمن، شما را ریشه‌کن می‌ساخت. از خدای جلّ جلاله پروا داشته و ما را با دعای خود از فتنه‌هایی که بر شما وارد می‌شود، یاری دهید...».

در نامه‌یی دیگر برای بزرگی نوشت: «ما از جریانات و مسائل شما آگاهیم و چیزی از اخبار شما از دید ما پنهان نیست.».

او در دوران غیبت صغرایش که پس از وفات پدر تا ۶۹ سال طول کشید (امام عسکری(ع) در سال ۲۶۰ هجری وفات یافت و پایان دوران صغری سال ۳۲۹ هجری است)، نمایندگانی داشت که مردم از طریق آنان با حضرت در ارتباط بودند و از آنان رفع مشکل می‌شد. اینان برای حفظ جان حضرت مهدی(ع)، حفظ جان خود و یاران تلاش‌های ویژه‌یی

را انجام داده و تاکتیک‌های خاصی را به کار می‌بردند. آنچه‌آنچه که دستگاه زمامدار نمی‌توانست از آنان سندی به دست آورد. عده‌ی اینان که به نواب معروف بودند، چهار نفر است: عثمان بن سعید که عالمی گرانقدر که در شغل بازار و روغن فروش بود. محمد بن عثمان که فرزند همان شخص فوق و فردی عالم و عادل بود. حسین بن روح نوبختی که اصالتاً اهل قم و از اصحاب امام عسکری (ع) و نیز نایب حضرت مهدی (ع) بود؛ علی بن محمد سمري که آخرین نایب و او نیز از بزرگان اسلام و از محدثان است.

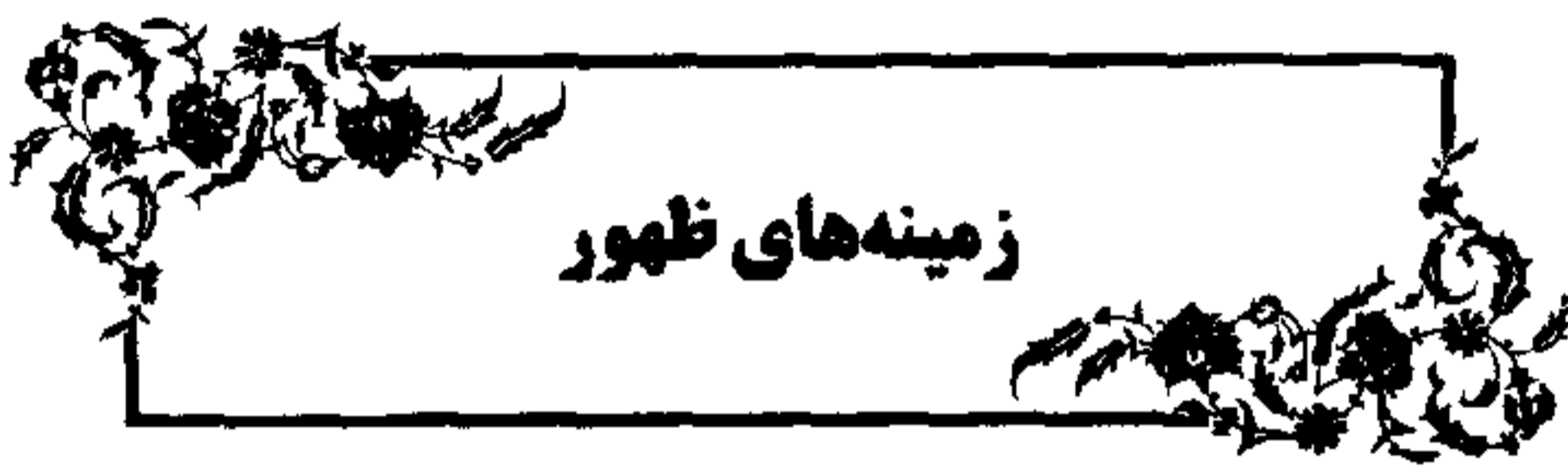
امام زمان در آخرین نامه‌اش به او متذکر شد که مرگ او نزدیک است. کارهایش را سر و سامان دهد، کسی را به عنوان وکیل بعدی معرفی نکند که غیبت کبری آغاز شده است و دیگر او را ظهوری نخواهد بود مگر پس از گذشت زمانی بس طولانی و سخت شدن دل‌ها و پر شدن زمین از ظلم و ستم. نیز فرموده بودند که دعوی واسطگی دیگران از من دروغ است.

نمایندگان حضرت مهدی (عج) در این اندیشه بوده‌اند که، به حلّ و فصل مسائل و مشکلات دینی مردم پرداخته و گره‌گشایی کنند. از دین خدا پاسداری کرده و نگذارند دست تحریفی در آن آورده شود. پس از دوران غیبت صغری مسئولیت‌ها تقسیم شد و هر کس وظیفه داشت شخصاً به تحقیق پردازد و در امور دینی به مراجع دینی که راویان احادیثند، مراجعه کند.

اما در مورد زندگی امام و اینکه در کجاست، سوآلی است که پاسخ داده‌ایم. او اینک زنده است، در همین کره‌ی زمین ساکن است، او بین مردم و در کنار آنهاست، در مراسم حج حاضر است، بر سر مزار اجداد گرانقدرش حضور دارد. کنار مردم می‌نشیند و حتّاً با مردم سخن می‌گوید، ولی مردم او را نمی‌شناسند. اینکه گفته‌اند او در آسمان، در شهر جابلقا و جابلسا زندگی می‌کند، یا در جزیره‌ی برمودا، در وسط اقیانوس اطلس است...، از افسانه‌ها و خرافات می‌باشد و ساخته‌ی اندیشه‌ی کسانی‌ست که از خرد اسلامی بهره‌ی ندارند و حتّاً برخی از آنان از تعادل روانی برخوردار نبوده‌اند (مثل شیخ احمد احسائی، سید کاظم رشتی و فرقه‌ی شیخیّه، بایبه و بهائیه از آنان نشأت می‌گیرد).

همچنین مسأله‌ی سرداب از افسانه‌هاست و این افسانه به حدّی متنوع است که آن خود دلیل بر بطلان آن عقیده است. برخی نوشته‌اند آن سرداب در بغداد است، در حالی که امام عسکری (ع) در سامرا زندگی می‌کرد نه در بغداد.

آری، او میان مردم و در کنار آنهاست. زندگی، خانواده، همسر و فرزندان دارد. چه اشکالی دارد که فردی صاحب خانه و زندگی باشد، ولی مردم از اصالت او بی‌خبر باشند؟ زندگی او ساده است و اسناد اسلامی می‌گویند که او جامه‌ی غلیظ می‌پوشد و غذای سخت و بی‌خورش می‌خورد، اهل عیش و نوش نیست، دوست دارد خود را با اضعف مردم تطابق دهد.



در طول مدت حیات بشر، برخی از فلاسفه و صاحب‌نظران در برابر خط انبیا ایستاده‌اند و خطوط فکری ویژه‌ی، در چهره‌ی مکتب عرضه داشته‌اند.

مکتب عبارت است از مجموعه‌یی از افکار منسجم و نظام‌دار که حامل راه‌حلی برای یک مسأله یا دستورالعملی برای حیات بشر است. تعداد آن بسیار و تنوع آن از ویژگی‌های دوران معاصر است.

پس از قرن هفدهم و ظهور رنسانس و انقلاب کبیر فرانسه، تعداد این مکتب‌ها بسیار شد و هر صاحب‌فکر و فلسفه‌ی، اندیشه‌های خود را در زمینه‌ی زندگی و اداره‌ی جامعه عرضه کرد. این مکتب‌ها که مدعی آوردن دستورالعمل برای محو ستمگری، جور و تبعیض و ایجاد زمینه برای عدالت و مساوات، توسعه‌ی رفاه، برقراری آزادی در جامعه بوده‌اند، تحت عنوان‌هایی همچون: ناسیونالیسم، اومانیسم،

سوسیالیسم، کمونیسم، راسیونالیسم و... رخ نموده‌اند که دعوی‌شان برای اصلاح جهان عبارت بود از: دعوت به علم و دانش به این معنی که، تنها علم عامل نجات بشر است و می‌تواند دشواری‌ها را از میان بردارد؛ دعوت به اقتصاد و حلّ مسائل اقتصادی از طریق حذف مالکیت، اصالت دادن به سود و فایده به هر بها و قیمتی، تأسیس حکومت جهانی، ترویج پوچگرایی، هیچ انگاشتن اخلاق و انسانیت و...

این مکاتب ساخته‌ی اندیشه‌های بشری بوده‌اند که طبیعی‌ست مصون از خطا، پاسخگوی نیازهای درونی و فطری بشر نباشند؛ زیرا همه اتکایشان مادّیت بوده، قواعد و دستورالعمل‌هایشان برای انسان در حال سیر و سفر فراهم شده بود، با دین و اخلاق دینی ضدّیت داشته و حتّاً برخی از آنها دین را مخالف علم و آزادی نبوده‌اند و از همه ناپسندتر اینکه، این مکاتب از ضمانت اجرای مناسبی برخوردار نبود.

از سوی دیگر، حاصل اجرای مکاتب فوق در طول چندین دهه و سده، بروز هرج و مرج و فسادهای اخلاقی بسیار بوده که این امر طبیعی بود از آن بابت که مکاتب علیه خدا و خطّ و راه او ایستاده و دین را تخطئه می‌کردند.

دامنه‌ی مفاسد در عرصه‌هایی وسیع شد، مانند:

□ در عرصه‌ی اجتماعی، آلودگی جنسی رشد یافت. زنان به صورت برهنه و تحریک‌آمیز در جامعه حضور یافتند، قطع رحم در جامعه رواج یافت، مردم به جان هم افتادند، بدگویی‌ها از

یکدیگر حتا در خانواده رواج یافت، خون آدمی را سبک شمردند، از یکدیگر دوری گزیده و برائت جستند، حلم و بردباری را ضعیف شمردند، دروغ و حيله در جامعه رواج یافت، پستی و دنائت فزونی گرفت، حق و باطل در هم آمیختند، عاطفه‌ها از میان رفتند، گناه و منکرات زیاد شد و حتا اشرار بر مردم تسلط یافتند.

□ در عرصه‌های اقتصادی، رباخواری توسعه یافت، به فقیر بی‌اعتنایی شد، حرام‌خواری فراوان گشت، کار و زندگی بر مردم تنگ شد، تجمل و شهوت‌پرستی زیاد گردید، برکت اموال از میان رفت، رشوه در جامعه توسعه پیدا کرد، مال ایتام را خوردند، بیت‌المال را مورد غارت قرار دادند.

□ در جنبه‌ی فرهنگی بدعت‌ها به وجود آمد، حلال خدا حرام شد، حرام‌ها را حلال کردند، معروف جای منکر را گرفت و منکر جای معروف، مردم به سوی رقص و طرب روی آوردند، اعمال زشت علنی شدند، تعلیم و تعلم صورت ریایی پیدا کرد، هنر در چهره‌ی رقص و موسیقی خود را نشان داد، رفتار دینی تغییر یافت و زینت برای زنان در حظ نظر دیگران قرار گرفت و....

□ در جنبه‌ی سیاسی، اشرار امت زمامدار شدند، خائنان امین مردم شمرده شدند. حکومت‌ها به اعمال زور پرداختند، مؤمن را خوار کردند، آبادنی‌ها را ویران نمودند، وُزرا دروغگو شدند، جور و تبعیض عیان گردید، مخالفان مقتول شدند و حرمت

انسانی زیر سؤال قرار گرفت، مستکبران با سلاح‌های مرگ‌آفرین به جان ضعیفان افتادند و تا توانستند جنگ افروختند و آدم کشتند.

□ در این میان، پایگاه مذهب ضعیف شد. دین که از جانب خدا در خط تنظیم زندگی مردم بود، به کناری نهاده شد. اعمال ضمانت اجرایی خود را از دست دادند و روزگاری بس شوم بر مردم هجوم آورد و متأسفانه برخی از مبلغان دین رنگ باختند و در خط تأیید زمامداران کفر قرار گرفتند و خیانت و جنایت آنان را توجیه کردند.

حاصل چنین وضعی، سرخوردگی برای مردم بود. مردم به تدریج دریافتند که، وعده‌های صاحبان مکاتب برایشان مضر بوده و جز نکبت، بدبختی، بدبینی، وازدگی، چیزی برایشان نداشته است. اگرچه برخی از مکاتب نمونه‌های رشدی را به بشریت عرضه کرده‌اند، ولی میزان مفاسد و آلودگی‌ها و صدمه‌هایی که از این بابت برای بشریت پدید آمده، در حدی نیست که آدمی بدان‌ها دل ببندد و نجات و رستگاری حال و آینده خود را به دست آنان سپارد.

علوم توسعه یافتند، ولی در خدمت اربابان بی‌مروت دنیا قرار گرفتند، اسلحه شدند و بر سر مردم تاختند، در حالی که انتظار مردم از علم این بود که، برای بشریت خیر و رفاه و صلح بیافریند. سرمایه‌داری توسعه یافت بر رقم گرسنگان جهان افزوده گشت. بر اثر آن، فقیر، فقیرتر و غنی، غنی‌تر شد و

امروزه میزان فقر در کشورهای سرمایه‌داری بیداد می‌کند و گرسنه و برهنه و بی‌دوا و محتاج لقمه‌ی نان، بسیار است. بلوک کمونیستی در دنیا چنان زرق و برقی از خود نشان داد که مردم پدیدآورندگان آن را فراتر از پیامبران تصور کردند و با جان و دل در خدمتش درآمدند. ولی پس از استقرار، چنان بلا و اسارتی را بر مردم تحمیل کرد که در خانه‌ی خود جرأت سخن گفتن نداشتند، حاصل بیش از هفت دهه از حکومت و استقرار کمونیسم، فقر، نابسامانی، دربه‌دری و بی‌خانمانی بود. دیگر مردم نه دینی داشتند که بدان پناه جویند نه دنیایی که از آن بهره‌برداری کنند.

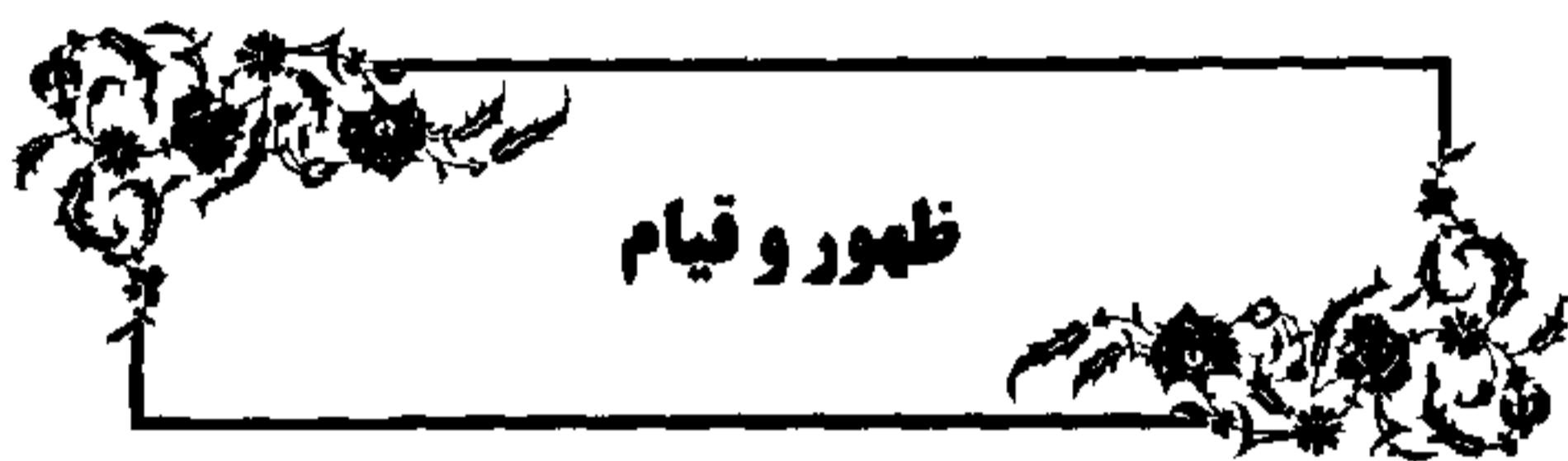
به همین‌گونه بود تجربه‌های دیگر در عرصه‌ی مکاتب. هر مکتبی چند صباحی به عنوان امری نو و جدید پذیرفته شد، ولی عاقبت آن، همان فرجام رسوا، توأم با بدبختی، نابسامانی و دربه‌دری بود. احساس یأس و بی‌پناهی به تدریج بر مردم مسلط شد و قومی نماند جز اینکه از آن همه وعده‌های دروغ، احساس بدبختی و خسارت کرده و دریافت که با لحاف مکاتب، زندگی را نمی‌توان سر کرد. بدین‌گونه که انتظار از نو رخ نمود و انسان‌ها برای نجات‌دست به دامن مکاتب دینی و الهی شدند.

آری، توسعه‌ی تضاد و تعارض در هر سویی مردم را به خود آورد. جنگ‌های خائنه و فریبکارانه مردم را دچار خوف و یأس نمود. ترس شدید و اضطراب گوناگون در آنان نگرانی

آفرید. فریاد مصلحان و خیراندیشان برخاست تا بشریت را متوجه وضع و شرایط موجود دنیا کند. این فریادها و هشدارها تا حدود زیادی در مردم مؤثر افتاد و مردم برای ساختن سرنوشت و تجدید بنای حیات تا حدودی آماده‌گی یافتند.

این آماده‌گی‌ها خوب است، ولی کافی نیست. بشریت، باید در عجز و درماندگی‌های خود به درجه و مرحله‌یی برسد که الحق احساس ستوه کند و باورش شود که، خود و دیگران در سامان دادن به امور درمانده و وامانده‌اند، قادر به حلّ و رفع مشکلات و عوارض موجود جهان نیستند، باورشان شود که باید به سوی نظام الهی روند و رهبر و زمامداری را برگزینند که الهی و مصون از خطاست و قادر است که با قدرت الهی خود حق را برپا کند، فساد را ریشه‌کن سازد، انسانیت را حیات مجدد بخشد.

اسناد و روایات ما می‌گویند که به هنگامی که آماده‌گی بدین درجه برسد، خداوند آخرین ذخیره‌ی خود را به کمک می‌فرستد، او را به نصر خود مؤید و مجهّز به رعب می‌نماید. آنچنان که مردم سلطه و سیطره‌ی او را بپذیرند و تسلیم خطّ و راه خدایی او شوند. اگر در آن شرایط کسانی باشند که حاضر به پذیرش حق نشوند، آنان را تکلیفی دیگر است!



اسناد اسلامی ما حکایت از آن دارند که مسأله‌ی ظهور حضرت مهدی (عج) در عین ناگهانی بود، با یک سری از مقدمات انجام می‌شود. بخشی از مقدمات قطعی هستند و باید اتفاق بیفتند و برخی دیگر دارای صورت احتمالی هستند. اما یک مسأله در همه حال قطعی‌ست و آن این‌که، اصل ظهور حتماً واقع خواهد شد. رسول خدا (ص) فرمود: «اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی بماند، خداوند آن را چندان طولانی خواهد کرد تا فرزندم مهدی (ع) در آن قیام و حضرت مسیح (ع) به او در نماز اقتدا نماید».

در سخن دیگری آمده است: «قیامت برپا نگردد تا قائم بر حق ما قیام کند و این امر زمانی‌ست که خدای اذنش دهد. در آن روز هر کس از او تخلف نماید، هلاکی گردد. او زمین را پر از عدل و داد می‌نماید، آنچنان که از ظلم و جور پر شده باشد».

زمان ظهورش بر احدی معلوم نیست. روایات ما کسانی را

که برای ظهورش، وقت و زمانی معین کنند، دروغگو می‌داند. ولی همان گونه که ذکر شد، علایمی قطعی قبل از ظهور وجود دارد که در واقع زنگ هشدار برای منتظران است. از این علایم، یکی خروج سفیانی‌ست که به دجال معروف است. او فردی‌ست که از منطقه‌ی فلسطین برمی‌خیزد و قیامی را علیه مسلمین آن زمان ترتیب می‌دهد. همچنین از علایمی قطعی، قیام فردی از یمن؛ صدای صیحه‌یی وحشت‌انگیز از آسمان که سخن از ظهور دارد؛ واقعه‌ی خسف یا فرو رفتن دهکده‌یی در شام و قتل نفس زکیه - که درباره‌ی او سخن‌هاست - می‌باشد. از علایم غیرقطعی و مُحتمل، مباحثی را نقل کرده‌اند که درباره‌ی وقوع آنها جای تردید است. مثل: ظهور مدعیان امامت؛ ظهور چهره‌یی در ماه؛ ظهور جاهلیت‌های نو و مدرن؛ جنگ بین اعراب و اسرائیل که به تدریج فراگیر خواهد شد؛ بُروز مرگِ سرخ در چهره‌ی قتل‌ها و مرگ سفید در سایه‌ی گرسنگی؛ کثرت ابداعات و اختراعات که جوّ و شرایط زندگی را عوض می‌کنند.

آنگاه که خدای اذنش مقرر گردد، او از جای برمی‌خیزد و جهان و پدیده‌هایش را در اختیار و تحت ولایت خود قرار می‌دهد. ابر و باد و فرشتگان مأمور او می‌شوند. اعلام ظهورش، توسط خود اوست - روایات ما از وسایل ارتباط جمعی سخن دارند. از سوی مأموران الهی، فرشتگان و همه پدیده‌ها خبرِ ظهور او را به گوش می‌رساند و در آن صورت

احدی در زمین نمی ماند جز آنکه از این امر خبر یابد.
سید بن طاووس از محققان بزرگ می گوید صدایی از آسمان
می پیچد که: بر شما باد که به او پیوندید...!
این خبر به سرعت در جهان انتشار می یابد و حتا از
مشخصات او و از نام پدر و اجدادشان سخن می گویند.
از شگفتی های این اخبار این است که از ۱۴۰۰ سال قبل
خبر داده اند که به هنگام ظهور، واسطه یی بین مهدی و مردم
نیست. مردم در شهر و خانه ی خود او را می بینند و صدایش را
می شنوند، در حالی که او سر جای خود مستقر است.
ظهور او زمینه ساز حیرت هاست تا حدی که همگان به فکر
فرو می روند، گردن دشمنان و مستکبران فرو می افتد و آنان
فرجام خود را می بینند. دعوت به حضور می شود و آنان که
توان و امکان دارند، به سوی او می شتابند و به خدمتش
می رسند. اینان همانند پاره های ابرند که گرد هم می آیند،
دارای جرأت و شهامتند، نه احدی در گذشته چون آنان بوده
و نه در آینده. هسته ی اولیه آنان را ۳۱۳ نفر تشکیل
می دهد، همانند اصحاب پیامبر در جنگ بدر. به تدریج بر
عده ی آنان افزوده می شود و به این ترتیب قیام و حرکت آغاز
و دامنه دار می گردد.

آنان به سوی نقاط مختلف حرکت می کنند و در آغاز،
مسأله ی دعوت مطرح است. دعوت به پاکی و اصلاح، به
تنظیم قوای نفسانی، تعدیل هواها، رفع اختلاف و استکبار

و استبداد. او در طی سخنرانی‌ها و دعوت‌ها سعی دارد که مردم را به کتاب‌الله آشنا کند، سنت رسول الله را در بینشان زنده نماید، بشر را اهل زهد و پاکی و تقوا سازد. مردم بر سر عقل آیند و دست از مفاسد و هواها بکشند.

اما آن کس که اهل طغیان است و حاضر به قبول حق نیست، مسأله‌ی مبارزه و جنگ مطرح می‌باشد. او دیگر اجازه‌ی آزادی و بی‌بندوباری ندارد. رسول خدا(ص) فرمود: «خداوند در آن روزگار قدرت ستمگران را در هم می‌شکند و مردم را به سوی صلاح و رستگاری هدایت می‌فرماید».

آری، او قیام به شمشیر دارد، مبارزه‌ی بس سخت و جانکاه، با تلفاتی سنگین رخ می‌دهد، تا حدی که نوشته‌اند ثلثی از جمعیت جهان می‌میرند، ثلثی کشته می‌شوند و الباقی می‌مانند. این امر تا مرزی ادامه می‌یابد که دیگر فتنه‌ی بر زمین باقی نماند و عرصه‌ی دین برای خدا راست و مستقر گردد. طبیعی‌ست که پس از آغاز مبارزه، توبه‌ی احدی برای آنان سود نبخشدی ندارد.

امیرالمؤمنین(ع) در این زمینه می‌فرماید: «جنگ در میان مردم قد برمی‌افرازد و به همه چنگ و دندان می‌نمایاند. پستان آن پر از شیر است (اشاره به انبارهای مهمات جهان) آغازی شیرین و فرجامی تلخ دارد و حادثه‌ی است که می‌آید و شما را از آن شناختی نیست».

او ولی کسانی‌ست که مظلوم کشته شده‌اند. او منصور و

مؤید از جانب خدا است. در برابر قدرت مهدی (ع)، عذہیی مقاومت می‌کنند و گمان دارند که می‌توانند قدرت او را درهم بشکنند، غافل از اینکه این بار حرکتی الهی از سوی فردی مؤید از جانب خداوند است.

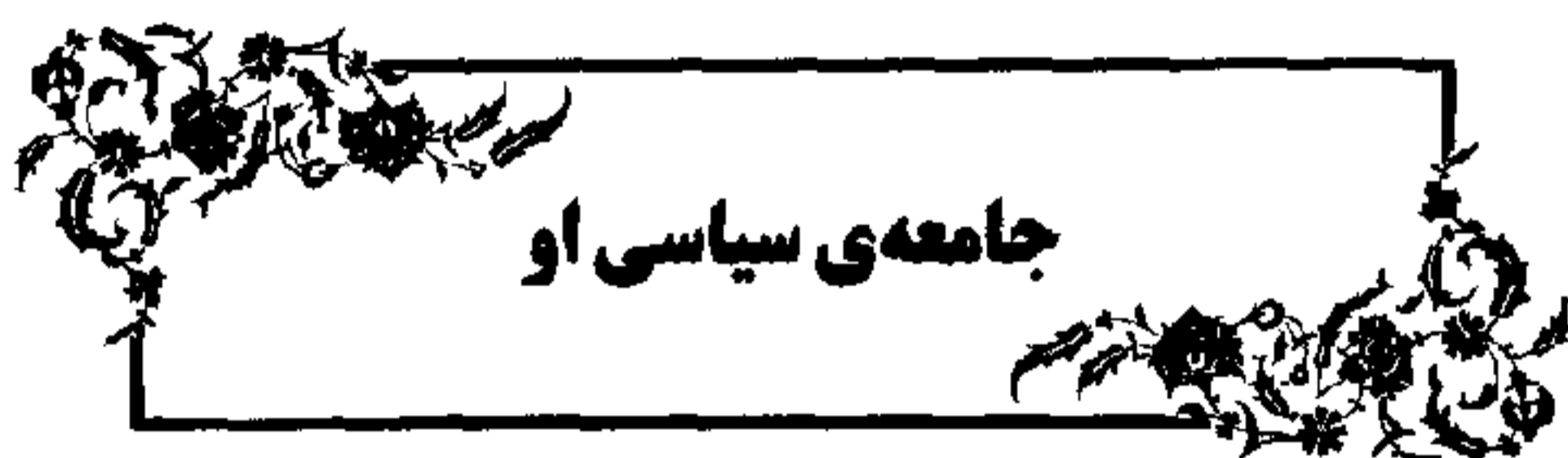
او دژهای خصم را یکی پس از دیگری به تصرف درمی‌آورد. بر اساس سنت رسول الله (ص) و بر مبنای خط وحی، به پیش می‌رود و از قبل حجّت را بر مردم تمام کند. جهان سرانجام به تصرف او درمی‌آید و سلطه‌ی او بر همگان وارد می‌گردد.

قیام او به خاطر تلاشش و مدد الهی و یاری سربازانش پیروز است. اصولاً حرکت با پشتوانه و دلگرمی به وعده‌ی خدا صورت می‌گیرد و با تأییدات الهی باطل از میان برداشته می‌شود و حق متجلی و آشکار می‌گردد. نیروی ایمانی حضرت و یاران خالص او، بسیار کارسازند. بویژه که اسناد ما یاران حضرت را جوان معرّفی می‌کند. در وصف این یاران آمده است که اینان کسانی هستند که خدا را آنچنان که سزاوار اوست، شناخته و چون گنجینه‌های الهی هستند. شب‌زنده‌دارانند و روزها چون شیر در میدان جنگ قاطع و موقعیت‌شناسند. برای هدف خود می‌جنگند، از شیر غرّان غرّنده‌تر و از نوک نیزه‌ها تیزتر و گزنده‌ترند. دشمن را به زیر پا می‌گذارند و هر کدام قدرت چهل تن را دارد گویی دل‌هایشان از پاره‌های آهن است و اگر به کوه آهن بخورند، آن را متلاشی می‌سازند.

خدا آنان را در این پیروزی یاری می‌رساند، اوست که می‌خواهد اسلام بر همه ادیان پیروز گردد. لذا فرشتگان رحمت و قدرت خود را به سوی مهدی (ع) گسیل می‌دارد.

کار او سرعت پیدا می‌کند، آنچنان که گویی به عنایت خداوند، زمین زیر پای او درمی‌نوردد و او را به همه جای جهان فاتح و پیروز می‌گرداند.

نقش خواستن مردم نیز در این امر کارساز است؛ زیرا تا مردم چیزی را نخواهند، آن امر به ثمر نخواهد رسید. مردم سرخورده از شرایط نابسامان گذشته، با دل و جان می‌کوشند در خدمت مهدی (ع) باشند و خود را زیر پرچم او احساس کنند. آنان حرکت می‌کنند و شعارشان امت است. خداوند در دل آنان امید و محبت و در دل دشمنان، رعب و هراس می‌افکند و این خود رمز غلبه‌ی نهایی آن حضرت است.



آری، او زمانی بس دراز در پس پرده‌ی غیبت بوده، ولی روزی می‌آید و خداوندِ قادر وعده‌ی خود را در ظهورش محقق می‌سازد - البته پس از ظهور، کار چنانچه باید، به پیش نمی‌رود، نیاز به اعمال فشار و نمایش قدرت است تا او بر دشواری‌ها فائق آید و حکومت خویش را استقرار بخشد.

زمینه‌های متعددی امر استقرار حکومت او را تسریع می‌کنند؛ از جمله: سرخوردگی شدید مردم از وعده و وعیدها؛ احساس محرومیت و مخصوصاً تحقیر شدید مردم از آن بابت که گمان دارند با شخصیت اعتقادیشان بازی شده است؛ قرار گرفتن در آستانه‌ی مرگ و فنا که ناگزیر باید یکی از آن دو را برگزینند؛ وجود نور و جاذبیت حضرت مهدی (عج) که دل‌ها را به سوی او متمایل می‌گرداند.

پذیرش‌ها گاهی از روی میل است، برای آنان که عمری از روی اخلاص و ارادت، غیبت او را متحمل شده و خواستار

ظهورش بوده‌اند، همچنین آنان که از وعده‌های سست و پوچ صاحبان مکاتب خسته شده و جان بر لب دارند، نیز آنان که پذیرای حکومت قرآنند و می‌خواهند در سایه‌ی آن از بندها برهند.

زمانی هم پذیرش‌ها از روی اکراه است و این امر برای کسانی است که از سویی منافع خود را با ظهور ایشان در معرض خطر می‌بینند و از سویی دیگر، احساس می‌کنند که در برابر شرایط ظهور راه نجات دیگری ندارند. ولی سرانجام همه باید تسلیم او شوند و خواسته و ناخواسته راه خدا را پذیرا گردند.

او پس از استقرار، اندیشه حکومت واحد را در جهان جامه تحقق می‌بخشد؛ به صورتی که مرزها از میان برداشته شده و همگان در زیر لوای واحد توحید درمی‌آیند.

اصل تأسیس حکومت واحد جهانی، از اسلام است و رسول گرامی اسلام (ص) در این عرصه سخن‌ها دارد. البته بعدها فلاسفه‌ی پیدا شدند که در این امر داد سخن دادند و مردم را به آن فراخوانده‌اند، مثل: برتراند راسل و... . اگرچه عده‌ی از صاحب‌نظران وقوع آن را غیرممکن و یا مردود دانسته‌اند.

اسلام این اعتقاد را دارد که بشریت از یک پدر و مادر و از یک اصل و منشأ می‌باشد. جدشان آدم و از خاک بوده است. طبق اعتقاد آنان، عرب را بر عجم، و سفید را بر سیاه برتری نیست، مگر در سایه‌ی تقوا. اختلاف امری عارضی است و هر

امر عارضی، قابل رفع و جبران است. از سوی دیگر، فلسفه‌ی اسلام، فلسفه‌ی انترناسیونالیستیست و اسلام خود را در محدوده‌ی زمان و مکان معین محبوس نمی‌دارد. خط‌اسلام و وعده‌ی آن وعده فراگیریست و همه جهان باید تحت سلطه‌ی او درآیند.

شک نیست که در برابر اندیشه‌ی جهانی امام، عده‌ی مقاومت کنند و یا بخواهند از چون و چرا سر درآورند، بویژه که عده‌ی منافع خود را در خطر می‌بینند و گروهی دیگر با ستمکاری خو گرفته و به راحتی حاضر به رهایی نیستند. ولی به هر میزان که مخالفت بیشتر گردد، اعمال فشار نیز افزون‌تر خواهد شد و این خط فکری اسلام است که در برابر استکبار سر تسلیم فرود نمی‌آورد و تا ریشه‌کن‌سازی فتنه به پیش می‌رود.

حضرت مهدی (ع) در برابر نیروهای ستم با تمام قوا می‌ایستد و حق ملت‌های اسیر را از دولت‌های ستمگر باز می‌ستاند. پرچم‌های باطل یکی پس از دیگری سقوط می‌کنند و رعب و هیبت او، سراسر جهان را فرا گرفته و ابرقدرتان را به عقب‌نشینی می‌کشاند. بر اثر تداوم حرکت و تلاش و مبارزه‌ی مهدی (عج)، فریاد اربابان زر و زور بر سر رعیت‌ها خاموش می‌شود، خودمداری‌ها، فسادها، زیونی‌ها، تباه و تبعیض‌ها در جامعه حذف می‌گردند.

اما خطوط حکومتی حضرت مهدی (عج)، همان خطوط

پیامبر است؛ با این تفاوت که، داوری او بر اساس باطن است. رسول خدا(ص) فرمودند: «سنت او سنت من است و او مردم را بر ملت و شریعت من وامی دارد».

ولی مشکل مردم این است که، از اسلام فاصله گرفته و از آن بی‌خبرند و گمان دارند که، حضرت مهدی(عج) دینی جدید آورده است؛ بویژه که عدل او، سخت‌تر از عدل پیامبر(ص) و علی(ع) است و او از این طریق سعی دارد مزه‌ی عدالت دنیوی و اخروی را به مردم بچشاند.

خطوط عمده‌ی حکومت امام عبارت است از: بر سر عقل آوردن مردم؛ حاکمیت دادن قرآن و سنت بر زندگی مردم؛ احیای حق و احقاقی آن؛ اجرای عدالت به معنای جامع آن در سطحی وسیع؛ احیای ارزش‌های راستین؛ بازگشت واقعی مردم به اسلام؛ اقامه‌ی نماز؛ ایتای زکات؛ امر به معروف و نهی از منکر و....

حکومت حضرت مهدی(عج)، رنگ و هوای ظلم ندارد؛ از هر چه که مخالف عدالت است، پرهیز می‌گردد. در آن مکر و فریب نیست، مسخ اندیشه‌ها نیست، اسارت موهومات و خرافات نیست، استبداد و استثمار نیست. همچنین در حکومت حضرت مهدی(عج) خودسری، خودپسندی، برتری و فخرفروشی جایی ندارد. مقام عنوان برای آدمی بها نمی‌آورد، عضویت طبقه‌یی نمی‌تواند برای آدمی شرف و اصالتی ایجاد کند.

او پس از استقرار حکومت، به اصلاحاتی عظیم و پردامنه دست می‌زند؛ دامنه‌ی آن وسیع و دربرگیرنده‌ی همه ابعاد وجودی و همه امور انسان، از سیاست و اقتصاد و فرهنگ و اجتماع است. آنچه را پیامبر (ص) و ائمه (ع) در اصلاح قصد داشتند، در عصر حضرت مهدی (عج) تحقق می‌پذیرد و این وعده‌ی است که رسول خدا (ص) داده است.

اهمّ خطوط اصلاحی او عبارتند از:

□ سازماندهی مردم و ارکان حکومت، مسلح کردن یاران به اسلحه‌های چشم‌دار، تشکیل دآوری بر اساس انصاف، تشکیل خزانه برای بیت‌المال، تشکیل دستگاه نظارت برای بازرسی‌ها، ارزیابی‌ها، کنترل شرور و فتنه‌ها و بالاخره، تشکیل هر سازمان و نهادی که ضروری باشد.

□ اعزام نماینده و نیرو به نقاط مختلف برای ارشاد و هدایت و حلّ و فصل مشکلات، عزل و نصب‌های مناسب و حتّا جنگ و مبارزه.

□ ترویج شریعت محمدی و اجرای حکم قرآن بر اساس تأویل و تنزیل.

□ دفع فتنه‌ها برچیدن بساط استثمار، استحمار و استعباد و حتّا ویران کردن خانه‌ی جباران و شکستن صولت و سطوت آنان.

□ تخریب اماکن فساد و ویران‌سازی کاخ آمال و کشتن فاسدان تا حدّی که زمین خدا از شرّ و فساد، پاک و پاکیزه گردد.

□ خط بطلان کشیدن بر افکار و عقاید نادرست، ادیان بی‌اساس، فلسفه‌های گمراه‌کننده و اموری که توجیهی منطقی ندارد.

همان‌گونه که ذکر شد، برای حضرت مهدی (عج) در این عرصه دشواری‌ها و مشکلاتی است که تنها تحمل و حوصله‌ی اوست که می‌تواند آنها را مغلوب سازد. اسناد اسلامی ما می‌گویند رنج‌ها و مشکلاتی که امام زمان (عج) با آنها مواجه است، به مراتب بیشتر از آنهایی است که بر پیامبر اسلام (ص) وارد شده است.

برخی از آن دشواری‌ها عبارتند از:

□ مشکل زمامداران روز که می‌خواهند همچنان به حکومت خود ادامه دهند و بر بشریت محروم بتازند. آنان همانند فرعون در برابر موسای زمان قد علم می‌کنند.

- مشکل عالمان که جای پایی در میان مردم دارند و اهل دعا و سخنند و دوست ندارند موقعیت خود را از دست بدهند. در برابر امام می‌ایستند و برای او مسأله‌ی شرعی می‌گویند، فتوا می‌دهند و می‌خواهند اشتباهات امام زمان (عج) را اصلاح کنند.

□ مشکل جاهلان که حق را از باطل نمی‌شناسند و به آداب و موهومات غلطی پایبند شده و آن را به حساب دین می‌گذارند و در برابر امام (عج) عرض وجود می‌کنند.

□ مشکل مقدس‌مآبان قشری و خشک مغز که سر در

عبادتی خشک و بی‌روح دارند و تنها به سجاده و تسبیح چسبیده‌اند و در برابر اقدامات امام فریاد و اسلماه سر می‌دهند. گویی آنان خود را از امام مقدس‌تر می‌دادند.

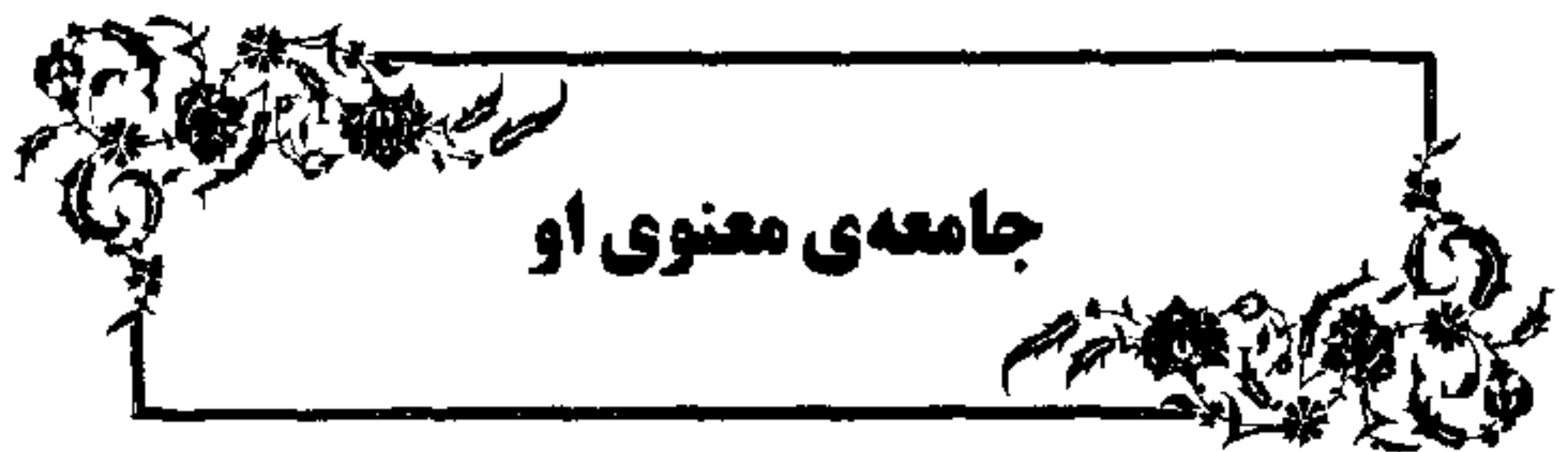
□ مشکل عادت‌یافتگان که ترک عادت برایشان موجب مرض است. با دین میانه‌ی خوبی ندارند، ولی در عین حال خود را صاحب‌نظر می‌شناسند و حتا کارهای امام را ظالمانه می‌خوانند.

□ مشکل هواپرستان که حضور امام برایشان مشکل‌آفرین است، زیرا امام بساط عیش و بزم و ساغرشان را در هم می‌شکند و شراب‌های گرانبهایشان را بر خاک می‌ریزد.

□ مشکل فرصت‌طلبان که می‌خواهند شر بیافرینند و از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و هشیاری امام، مانع راه آنان است و آنان نیز به مانع‌سازی می‌پردازند.

□ مشکل رفاه‌طلبان که جنگ و قیام مهدی (عج) را برای خود مزاحم دانسته و امام را متهم می‌کنند که برایشان شر آفریده است.

اما حضرت مهدی (عج) مأمور و مؤیداز جانب خداست. در برابر همه این موانع می‌ایستد و به اقامه‌ی دین و عدالت و احیای سنت اسلامی می‌پردازد.



قیام حضرت مهدی (عج)، قیامی اسلامی بوده و طبیعی‌ست که همه کوشش و تلاش او در خطّ احیای معنویت و به تبع آن، مادیات باشد. او پس از ظهور، منطق اسلام را بر دیگر ادیان و مذاهب سلطه می‌دهد و ذهن‌ها را بیدار و متوجه دیانت و انسانیت می‌کند. این سلطه بر اساس وعده‌هایی که به ما داده‌اند، سراسر شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت.

تبلیغ او، فراگیر و معرفی او از اسلام راستین در ذهن‌های آماده و بیدار مؤثر خواهد بود. چه بسیار از مردم جهان که تابع آیین اسلام نیستند، ولی در خطّ دین و دیانتند، خدا را عبادت می‌کنند، پس زمینه‌ی عبادت و معنویت در آنان وجود دارد و حضرت مهدی (عج) راه عبادت اسلامی را به آنان تفهیم خواهد کرد. آنان که با دین خدا مخالفت و عناد بورزند، بر ایشان راه و برنامه‌ی دیگر است. حتّاً آنان که شبه مذاهب دارند، منطق‌پذیرند و اگر حجّت بر آنان اعلام گردد، اقناع شده و

پذیرای آنند و امام زمان می‌کوشد که آنان را با منطق و برهان به راه آورد. اگر فردی سر ناسازگاری عمده داشته باشد، راه بر او بسته خواهد بود؛ زیرا دیگر دوران تعارف و مجامله نیست. آثار کفر و شرک که سبب این همه نابسامانی‌ها شده، باید از زمین رخت بریندد و راه برای ادامه‌ی یک زندگی انسانی و اخلاقی هموار گردد.

فتوحات یکی پس از دیگری پدید آمده و فرقه‌های مختلف مذهبی به سوی اسلام روی می‌آورند. شهرها و دژهای شرک گشوده می‌گردد و فتحی عظیم و بی‌سابقه پدید می‌آید. ندای توحید به گوش‌ها طنین‌انداز می‌گردد و نقطه‌یی از زمین باقی نمی‌ماند جز آنکه در آن، پرچمی برافراشته است. در مورد زمان فراگیری اسلام و دامنه‌گستر شدن آن، دو تا سه سال ذکر کرده‌اند.

انقلاب اسلامی امام، استقرار پیدا می‌کند و قیام‌های پدید آمده از گوشه و کنار جهان، از میان رفته و جوشش‌های کفر و شرک خاموش می‌شود. ولی بر اساس وعده‌هایی که به ما داده‌اند، چهار امر در عصر او قطعی و حتمی خواهد شد:

□ حکومت واحد جهانی به زمامداری و رهبری حضرت مهدی (عج) و با کمک مردم صالح.

□ اجرا و پیاده کردن نظام اسلامی و تعالیم قرآن به صورت کامل و فراگیر.

□ ایجاد امنیتی وسیع و دقیق که حتا تصور آن برای ذهن‌ها ممکن نیست.

□ خداپرستی واقعی بدون هیچ خوف و دغدغهی و بدون ملامت ملامتگران.

او سعی می‌کند تعالیم اسلام را اجرا کند و قرآن محبوس در گوشه‌ی اطاق‌ها را به میدان آورد. قانون الهی را در جامعه پیاده کند و گنهکاران و شروران را براندازد. مرزهای سیاسی و نژادی از میان برداشته شده و جهان به صورت جامعه‌ی واحدی درمی‌آید، در آن صورت یک خط و یک راه وجود خواهد داشت.

اسلام در همه جا، خانه‌ها، کوچه، بازار، ادارات و سازمان‌ها وارد می‌شود. گذراندن امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر اساس حکم قرآن صورت می‌گیرد. دستگاه نظارت امام نیرومند است، آنچنان که نمی‌گذارد فتنه‌یی جدید در جامعه رخ نماید و یا فرد و گروهی نقشه‌ی ایجاد خلاف و فتنه‌یی را در سر پیورانند.

از نقطه‌های درخشان حکومت مهدی (عج)، ایجاد امنیت و عدالت است. امنیتی عظیم و بی‌مانند، بدان حد که اگر فردی از این سوی دنیا به سوی دیگر رود، خطری او را تهدید نمی‌کند و احدی متعرض او نمی‌شود. حتا گفته‌اند زنی از عراق به شام می‌رود، در مسیر حرکت جز بر سبزه‌ها گام نمی‌گذارد و زینت و آرایه‌ی او مورد تجاوز قرار نمی‌گیرد. امنیت زمان مهدی (عج)، درندگان و جانوران را نیز شامل می‌گردد. با چنین شریطی می‌توان گفت حکومت مهدی زیباست، دل‌ها را در

گرو خود می‌گیرد. بویژه که مردم در خطّ انس و صفا و برادری زندگی کرده و کسی جرأت خیانت و جسارت و زورگویی نخواهد داشت.

در عصر ظهور، جهان رنگ خدایی می‌گیرد و مردم به برکت رهنمودهای امام، قرآنی می‌شوند. امام باقر (ع) می‌فرمایند: اگر چنان فرصتی را دریافتی، چشمان تو روشن است، امام زمان بالای سر مردم است. آنان بر سر عقل می‌آیند و برای سرنوشت‌سازی خویش، می‌اندیشند. به پرونده‌ی گذشته‌ی خود می‌اندیشند و به ترمیم وضع و شرایط خویش می‌پردازند. حیات بر اساس ضوابط اسلامی، عقلانی می‌شود. مردم بر نفوس خود مسلط می‌گردند.

بنیان‌های فکری تغییر یافته و پس از مدتی که هدایت وحی تابع هوس‌های این و آن بوده، به محلّ اصلی خود بازگشته و قرائت‌های مختلف دینی - که رنگ و هوای شخصی داشت - صورت الهی به خود می‌گیرد. مردم به راستی درمی‌یابند که، اسلام واقعی چیست و چه می‌گوید. به همین خاطر، خود را به دین ملتزم کرده و در همراهی خویش با خطّ انبیا، از روی باور و تعیین به پیش می‌روند. جنگ‌افروزی، خروج از مرز، توطئه‌آفرینی، سدشکنی، عنادورزی، همگی از میان می‌روند.

مردم، به راستی بنده‌ی خدا می‌شوند و عبادات گذشته را که آلوده به شرک بود، وامی‌نهند. دیگر کسی نیست که افراد را

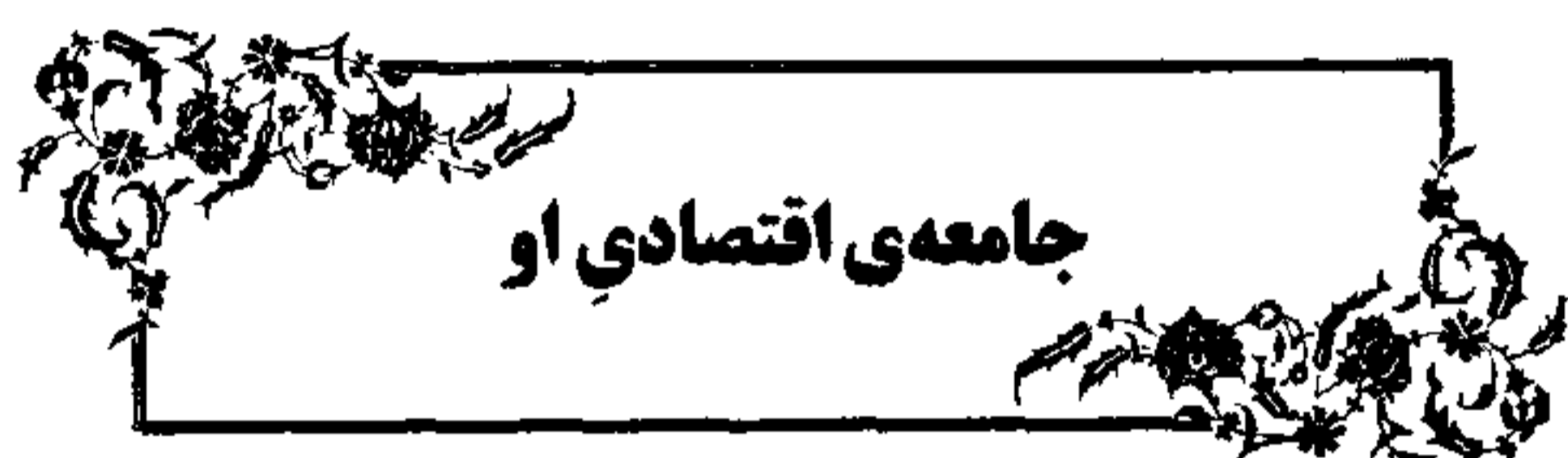
به بیراهه کشاند و امنیت عبادتی را از او بستاند. امنیت و فراغ چنان می شود که جز خدای عزوجل عبادت نمی‌گردد، معبودهای دروغی همگی از میان می‌روند، بت‌ها سرنگون و سوزانده می‌شوند و هر بنده‌یی می‌کوشد که از دیگری عابدتر و در راه عبادت، از دیگری خالص‌تر باشد. در برابر عظمت خداوند، بال‌های تواضع گسترده می‌شوند و رضای مردم، رضای خدا می‌گردد.

از مباحثی که در کتب اعتقادی ماست و در ظهور حضرت مهدی باید اتفاق افتد، مسأله‌ی رجعت است. اساس مسأله این است که، در ظهور حضرت، عده‌یی از پاکان و عده‌یی از شروران گذشته حیات مجدد می‌یابند و به حضور حضرت مهدی (عج) می‌رسند. پاکان برای وصول به قرب و خدمتگذاری در رکاب حضرت مهدی و بدان برای دیدن عقوبت‌ها و کیفرها که لااقل بخشی از عذاب و کیفر جرایمشان را در همین دنیا بچشند - از اینکه آنان چه افرادی هستند و چه نام و نشانی دارند بی‌خبریم.

اعتقاد به رجعت را برخی از بزرگان ما در ردیف اعتقاد به ضروریات دین خوانده و منکر آن را کافر دانسته‌اند. در زیارت جامعه - که منقول از امام هادی است - تصدیق به رجعت آمده است. این امر برای برخی بعید می‌نماید، در حالی که اعتقاد به قیامت کبری در ما ریشه‌دارتر است و اگر بنای شکی و یا عدم امکانی مطرح باشد، درباره‌ی آن مسأله باید بیشتر

باشد. نمونه‌های تاریخی رجعت را داریم، مثلاً قرآن درباره‌ی پیروان حضرت موسی می‌گوید: «عذاب الهی آنان را فرا گرفت و آنان از میان رفتند و مردند، آن‌گاه با دعای حضرت موسی از نو زنده و برانگیخته شدند و حیات مجدد یافتند».

حتّاً برخی سخن از رجعت امیرالمؤمنین (ع) و امام حسین (ع) به این دنیا پس از ظهور حضرت مهدی (ع) دارند و می‌نویسند که امام حسین (ع) به مدت چهل سال حکومت خواهد کرد. البته درباره‌ی جزئیات امر و کیفیت رجعت، اطلاعات وسیعی نداریم.



دوران ظهور حضرت مهدی (عج)، دوران رونق اقتصادی‌ست و این امر بدان خاطر است که همگان بر اساس تلقی از وظایف شرعی خود، به کار و تلاش می‌پردازند. بر اساس اسناد اسلامی، زمین‌های بایر آباد می‌گردد. وجبی از زمین بلا استفاده و بایر نمی‌ماند. دست توانای مسلمانان جوان، از آستین بدرمی‌آید و چرخ‌های کار و تولید را با تمام ظرفیت به کار می‌اندازند.

روایات براساس، بهره‌برداری از ذخایر روی زمینی و زیرزمینی به حدّ رشد و کمال می‌رسد و همگان بر اساس علم و ایمان، به سوی هدف اقتصادی حرکت و در کار و فعالیت تولیدی مشارکت می‌نمایند. عنایات خداوندی شامل حال مردم می‌شود، آنچنان که باران الهی نازل می‌شود و گیاهان و جانداران حیات می‌یابند. خداوند بادهای را مسخر او می‌گرداند و ابرها را تحت سیطره و فرمان او می‌درآورد

و نعمت‌های خود را بر مردم ارزانی می‌دارد. آب‌ها در مزارع به کار گرفته می‌شوند، آنچنان که قطره آبی از چشمه‌ساری به هدر نمی‌رود و میوه‌یی از درختی بیهوده بر زمین نمی‌افتد. به عبارتی دیگر، عدالت او متوجه زمین، آب و مصرف آن نیز می‌شود. در سایه‌ی این عنایات، سرسبزی‌ها پدید می‌آید، زمین آنچه را در درون دارد، بیرون می‌ریزد و آسمان نیز نزولات خود را به سوی زمین می‌فرستد. در نتیجه، خوردن و آشامیدنی و روزی فراوان می‌گردد.

زمینی که زیر پای ماست، گنجی فوق‌العاده غنی‌ست؛ چه انبان‌های نهفته‌یی از سیم و زر و دیگر ذخایر که در درون آن نهفته بوده و احدی هنوز بر آنها دسترسی نیافته و چه بسیار غنایم و ثروت‌هایی که بر اثر غرق کشتی‌ها در عمق دریا فرورفته‌اند و یا ثروت‌هایی که برخی از مردم به خاطر ترس از جنگ و دستبرد در زمین دفن کرده و خود مرده‌اند. براساس روایات، در عصر ظهور حضرت مهدی (عج)، زمین گنج‌های خود را بیرون می‌ریزد و تمامی آنها در اختیار امام قرار می‌گیرد، مردم نیز تن به کار می‌دهند و از حاصل آن ثروتمند می‌شوند. در توسعه‌ی فراوانی نعمت، عنایت خداوند همراه است. امام علی (ع) فرمود: «اگر مثلاً به میزان یک کیلو بکارند، هفتاد کیلو برداشت خواهند کرد». در سایه‌ی توسعه‌ی برکات و فراوانی نعمت‌ها، حرص زدن‌ها، طمعکاری‌ها، خیانت‌ها و حسادت‌ها از میان می‌روند. زجر و ناراحتی اعصاب به علت فقر

و ناداری از میان جمع رخت برمی‌بندد و این خود سببی برای طول عمر بشر است.

فراوانی نعمت، زندگی را شیرین و دلفریب می‌سازد، آنچنان که مردگان نیز آرزوی بازگشت به دنیا می‌کنند. ثروت‌های عمومی در اختیار عموم قرار می‌گیرد. مردم دست‌گشاده و راحت و آسوده خاطر می‌شوند، طوری که دیگر حاجتمندی پیدا نمی‌شود تا برای رفع حاجت تن به خیانت دهد. از عوامل دیگر فراوانی نعمت‌ها این است که، اسراف و زیاده‌روی از جامعه رخت برمی‌بندد؛ تبذیر که دارای صورت ریخت و پاش است، تحریم می‌شود؛ مردم از اسراف و خوشگذرانی و عیش و نوش بی‌حساب، چشم‌پوشی می‌کنند؛ خست و اقتار در جامعه طرد می‌شود و همگان بر اساس اصل اقتصاد و میانه‌روی پیش می‌روند و این سنتی برگرفته از قرآن است که در عصر ظهور معمول می‌گردد.

در عصر امام مهدی، امر توزیع که از ارکان اقتصاد است، به وجهی نیکو صورت می‌گیرد. چنان نیست که عده‌یی در وفور باشند و گروهی در آرزوی لقمه‌یی نان؛ مال و ثروت چیزی کم‌بها به حساب می‌آید. دیگر جنگ و خونریزی برای به دست آوردن مال و ثروت رخ نمی‌دهد. نوشته‌اند که مثلاً فردی از میان برمی‌خیزد و می‌گوید که: ای مهدی! چیزی عطایم کن، و او فوراً می‌بخشد. مردم بر اساس الگوگیری از آن حضرت، پویا و مال به میزان نیاز با خود همراه می‌کنند و این خود سبب

زدودن فقر عمومی و موجب ایجاد کار است.

طبق آنچه در روایات آمده، مال و روزی چندان فراوان می‌شود که به نظر بی‌ارزش می‌آید. کسی برای آن حسابگری نمی‌گذارد. هر کس بدان میزان که نیازمند است، از مال دیگران بردارد، بدون آنکه صاحب مال از او پیرسد که چه قدر برداشته‌ای؟ مهدی امت پس از ظهور، با یغماگران، غارتگران اموال مسلمین، دزدان و خائنان می‌جنگد و آنان را از اصل و ریشه برمی‌اندازد و این خود از عوامل وفور نعمت و توزیع درست دارایی‌ها و در نتیجه، محرومیت‌زدایی است.

او با همه کسانی که حاصل دسترنج بشر را به یغما می‌برند و از ثروت‌های عمومی برای خود می‌اندوزند و با استفاده از موقعیت خویش، آب و نانی برای خود فراهم می‌آورند، می‌جنگد. امام زمان از محلّ درآمدهای عمومی، به آبادانی و اصلاح می‌پردازد و در این راه از مشارکت همگان بهره می‌جوید. حتّٰی روایات نوشته‌اند که باد و ابر و پرندگان، جن و فرشته را مسحّر خود می‌کند. در واقع این خداوند است که می‌خواهد جلوه‌هایی از عدالت، قدرت و امنیت خود را در این جهان به نمایش بگذارد و حضرت مهدی مجری برنامه‌ها و تحقق‌بخش اراده‌ی خداوند است. درآمدها از هر سو به جانب او سرازیرند. مردم از وفور پول و ثروت، احساس سیری می‌کند و راه اصلاح و سازندگی بر روی همگان باز است.

حضرت مهدی (عج) اصلاحات را به صورت بنیادین و در

ذهن و فکر آغاز می‌کند؛ زیرا اندیشه‌های سامان‌یافته، زندگی سامان‌داری را پی می‌نهند. آن گاه او در خط اصلاح خطوط زندگی برآمده و برای آزادی، استقلال، امنیت و عدالت بشر می‌اندیشد. تقویت فکر خیراندیشی، صلاح بینی، پرهیز از غفلت از جمله کارهای امام مهدی (عج) است. حاصل این گونه اصلاحات تا حدی است که افسردگی‌ها از میان می‌روند و دل به مرگ دادن‌های ناشی از سرخوردگی‌های شدید، زایل می‌شوند و دنیایی با اندیشه‌های نو، پایه‌ریزی می‌گردد.

بخشی مهم از اصلاحات امام، متوجه اصلاح و ترمیم ویرانی‌های خانه‌ها، جاده‌ها و مزرعه‌هاست؛ زیرا تخریب‌هایی که بر اثر مَطامِع زورمندان و برنامه‌ریزی مستکبران به خاطر دستیابی به منافع شخصی پدید آمده‌اند، بسیارند. ساختمان‌هایی وجود دارند که مُشرف به خانه و زندگی مردمند و آسایش و امنیت ناموسی‌شان را زیر سؤال می‌برند.

روایات ما اصلاحاتی از این قبیل را نیز در کار و برنامه‌ی حضرت مهدی ذکر می‌کنند. ویرانی‌ها از میان برداشته می‌شود، درهم ریختگی‌ها از میان می‌روند، زمین‌های بایر آباد می‌گردد و سرسبزی‌ها دامن‌گستر می‌شود. راه‌ها و جاده‌ها توسعه پیدا می‌کنند تا مردم روی امن و آسایش را ببینند. تلاش و حرکتِ امام همراه با سرعت است، وقت‌گذرانی و معطل کردن معنا ندارد؛ زیرا مردم برای خدا کار می‌کنند و برای حفظ تأمین و مصالح خویش، تلاش می‌نمایند. بر سر هر

دیوار مخروبه‌یی و هر تیر برافراشته‌ای، یک یا چند نفر سرگرم کار و برنامه‌ای اصلاحی هستند.

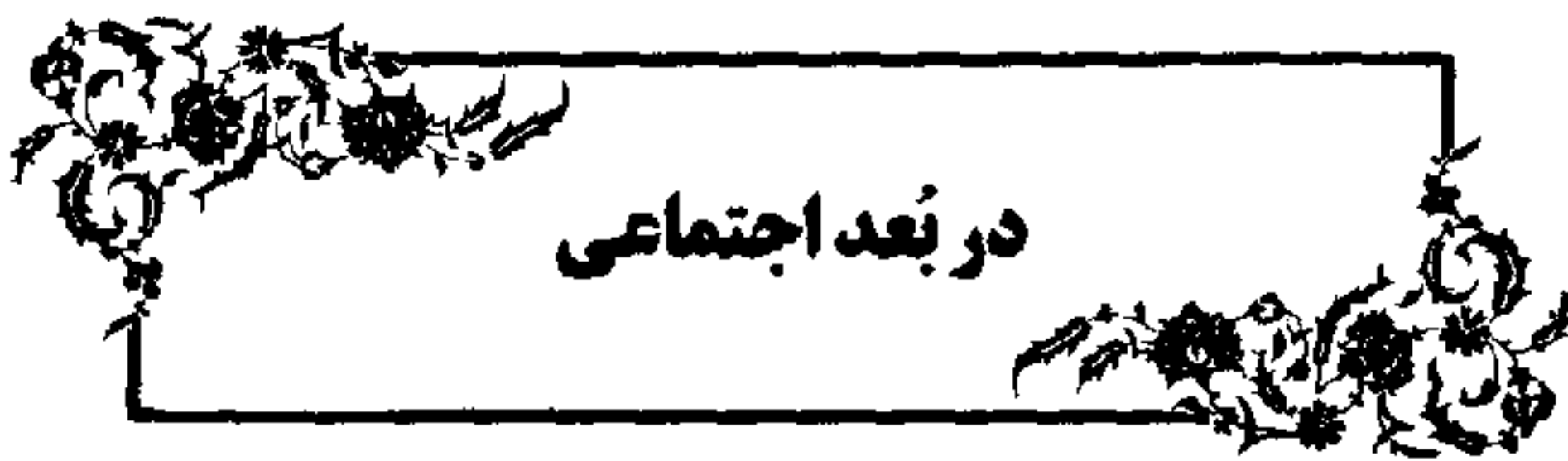
از حرکت‌های زبده و جدید امام زمان پس از ظهور و استقرار، فقرزدایی است. او می‌کوشد ریشه‌ی فقر را بسوزاند؛ زیرا فقر از عوامل مهم توسعه‌ی جرم و گرسنگی‌ست، دین و ایمان مردم را متزلزل می‌سازد و شک نیست که بسیاری از گرسنگی‌های عده‌یی، نتیجه پرخوری و شکمبارگی عده‌ای دیگر است. خودخواهی و خودمداری، سودطلبی، احتکار، ربا، کنز و... از عوامل فقر و ناداری مردم است و در حکومت حضرت مهدی (عج) برای این امور جای نیست.

او در جامعه‌ی اسلامی آن روزگار، تعاون و همکاری به وجود می‌آورد. در بین مؤمنان، طرح برادری و انس می‌افکند. احساس تعهد هر کس را نسبت به دیگران می‌انگیزد. در بینشان پیوند دینی و معنوی به وجود می‌آورد و در آن صورت، هر کسی می‌کوشد که در عین توجه به خود، هوای دیگران را هم داشته باشد. به این ترتیب، دیگر حسادت و بخلی نیست، بویژه از آن بابت که نعمت‌ها به وفور در اختیار مردم است.

وقتی مردم می‌خواهند برای امام زکات بفرستند، امام فرمان دهد که در همان مکان برای فقرزدایی مورد استفاده قرار گیرد. آنان که مال و ثروتی دارند، مصلحت را در آن می‌بینند که آن را در راه خدا به دیگران ببخشند. مرز فراوانی به حدی‌ست که مردم برای سیر و سفر نیازی به همراه بردن

مال و آذوقہ نخواهند داشت؛ زیرا می‌دانند کہ در هیچ منطقه‌یی دچار نارسایی و کمبود نخواهند شد.

در مسیر حرکت به سوی فقرزدایی، کار مردم به جایی رسد کہ بسیاری از مردم اعلام بی‌نیازی می‌کنند. زکات هست و نیازمندش نیست، صدقات هست و محتاج صدقه پیدا نمی‌شود. در میان جمع اعلام می‌کنند هر کس نیازی دارد، برخیزد، اما احدی از جای بر نمی‌خیزد و یا نوشته‌اند ممکن است فردی از جای برخیزد و مالی را از کسی بگیرد، اما فوراً پشیمان شده و آن را برمی‌گرداند، زیرا احساس می‌کند بدان نیازمند نیست.



در بُعد اجتماعی

در عرصه‌ی اجتماعی باید از خانواده آغاز کرد، از آن بابت که خانواده خشت اول بنای حیات اجتماعی است و هر صلاح و فسادى از آن جا نشأت می‌گیرد.

امام زمان (عج) واجد همان خوی و سیرت رسول الله (ص) است. غرض از قیام و سامان بخشی حیات انسان ها و جهت‌دهی آنان به سوی خیر و رفاه و سعادت است. او با قیام خود می‌خواهد تعالیم اسلام را احیا کند، به اقامه‌ی قوانین و احکام بپردازد، نشر حکم حلال و حرام را پی‌نهد، سنت رسول الله را زنده کند و بدعت‌ها را ریشه‌کن سازد.

از اقدامات مهم او پس از ظهور، سامان‌دهی روابط و جهت‌دهی آن به مسیر حق و عدالت است. مشکل اساسی امت اسلامی این است که، روابط آنان دچار مشکل است، نمی‌دانند که چگونه با خود و دیگران، با خدای خود و با طبیعت کنار آیند، حضرت مهدی (عج) همچنان در خط پیامبران

می‌کوشد تا این روابط را سامان بخشد که مهم‌ترین رابطه بعد از رابطه‌ی انسان با خدا، رابطه با خانواده است.

رسول خدا (ص) فرمود: «از خانواده آغاز کن!»

تحکیم خانواده و جلوگیری از تزلزل آن، در خط‌کاری همه انبیا، بویژه پیامبر اسلام بوده است. اسلام برای خانواده حقوق والایی را معین کرد. پس از پیامبر اسلام، جانشینانش، نشر این راه را دنبال کردند، اگرچه مردم با آن‌ها همکاری و همراهی نداشتند. ولی حضرت مهدی (عج) در این عرصه سنگ تمام خواهد گذارد و به تحکیم امر خانواده بر اساس اندیشه‌های قرآنی و سنت رسول الله همت خواهد گماشت.

همچنین تلاش‌های او متوجه بایدها و نبایدهای اخلاقی‌ست. او سعی دارد تا در جامعه صداقت، امانت، عدالت، احسان، استقامت برای رسیدن به هدف الهی، همکاری، برادری و... حاکم شود و نفاق، مجامله، بی‌عفتی، ترک شرافت، دشمنی، حسد و کینه‌ورزی از میان برود، که حاصل آن، استقرار اخلاق انسانی و رفع آلودگی، نابسامانی و تشتت در افکار است.

بُعدی از تلاش او، در زمینه‌ی استقرار حقوق است. زندگی انسان‌ها در حیات اجتماعی، مبتنی بر تعامل است و هر انسانی حقوقی در رابطه با خود، انسان‌ها و پدیده‌ها دارد. در این میان، حقوق بسیاری ضایع می‌گردد، مأموریت حضرت مهدی (عج)، احیای حقوق و استقرار حق و عدل در جامعه

است. در نظام حکومتی او، همه جا سخن از حق، توسعه‌ی عدل، توجه به قسط است و قسط و عدل بدون استقرار حق معنایی ندارند.

دامنه‌ی حقوق از دید اسلام بسیار وسیع است. تنها در رساله‌ی حقوق امام سجّاد (ع)، از پنجاه حق سخن به میان رفته است که هر مسلمانی باید متعهد آن باشد. در عصر ظهور، در ادای حق چنان به پیش می‌روند که منادی حضرت مهدی (عج) در کنار حجرالاسود فریاد می‌زند هر کس نماز واجب خود را کنار حجرالاسود خوانده، برای نافله به جایی دیگر رود تا دیگران نیز فرصت یابند در آن جا نماز خود را به جا آورند. یا چه بسیارند خانه‌هایی که در آن ممکن است آجری غصبی باشد و امام به آن حق رسیدگی کند.

در عصر ظهور، برابری حقوق مطرح است، عرب بر عجم برتری ندارد و بر عکس، جز در سایه‌ی تقوا و این آرزوی پیامبر بود. او سعی دارد در داوری خود به ردّ مظالم پردازد. حتّاً اگر حق زیر دندان غاصبی باشد، امام آن را بیرون می‌کشد و در آن ضوابط حقوقی به تمام و کمال رعایت می‌شود و این امر عام و برای کلّ جامعه‌ی اسلامی بوده و نفوذش در خانه و اداره و مسجد و... است.

همچنین در عصر او، زندگی بر اساس اخلاق است که اخلاق، فوق حقوق است؛ زیرا در آن سخن از عفو، اغماض، تغافل، احسان، ایثار و... است. زندگی بر اساس شریعت، بر

مبنای بیداری وجدان، بر اساس عقلانیت و در عین عاطفه داشتن است.

هنگامی که او ظهور می‌کند، دست عنایت خویش را بر سر مردم می‌گذارد و آنان را به رأفت و الفت می‌کشانند، آنچنان که هر کس به حق خویش قانع بوده و حقوق دیگران را نیز رعایت می‌کند.

امام زمان (عج) بر توسعه‌ی خیر و جلوگیری از شر، نظارت می‌کند. درست است که حکومت اسلامی مستقر شده است، ولی باز هم ممکن است افراد نابابی پدید آیند که زمینه را برای ناامنی در جامعه فراهم کنند و یا برای مردم شر بیافرینند. در چنین صورتی، ناظری لازم است تا نگذارد شرّ و فساد در جامعه رخ نماید و حاصل تلاش‌ها بر باد رود. دستگاه نظارت او در سراسر جامعه گسترده شده و همگان خود را مسئول امر به معروف و نهی از منکر می‌دانند.

او و یارانش در برابر جرایم ساکت و بی‌تفاوت نیستند. اجازه نمی‌دهند که مفسد و جرایمی رخ نماید. مجرم به صورت جدی تعقیب می‌شود و شرآفرینان تحت تعقیب و کیفر قرار می‌گیرند. البته عدل و محبت، انس و صفای آن روزگار، انسانیت و اخلاق، چندان توسعه خواهند یافت که مردم به گناه و بدی رغبت نکنند، بویژه که خود حضرت مهدی (عج) دنیای لطف است، سمبل هدایت است و در عین حال، مجری قانون است و آن گاه که در عین وعظ و پند، فردی دست از

پا خطا کند، مهدی (عج) حسابرس است.

او حدود الهی را درباره‌ی ناهلان اجرا می‌کند و در این راه از سرزنش احدی باکی ندارد. الودگان را تازیانه می‌زند و دست دزدان را می‌برد. حکم قصاص را در جامعه پیاده می‌نماید و اقامه‌ی دین خدا می‌کند. بر اثر این قاطعیت، هر چه که موجب آشفتگی و اختلال در جامعه است، از آن رخت برمی‌بندد.

اماکن فساد و هوس بازی‌ها تعطیل می‌شوند و اخلاق پاک قرآنی بر جامعه حاکم می‌گردد و اعمال زور و خودخواهی و بهرکشی ناحق ریشه‌کن می‌شود.

در این اقدام عظیم و پردامنه، نقش همکاری مردم، سرنوشت‌ساز است. یاران او که در آغاز ظهور ۳۱۳ تن بودند، در فرصتی اندک به چند هزار می‌رسند و آنان در اقدامات اصلاحی حضرت، او را یاور و کمک‌کار هستند. رشد فکری یاران، خود سبب همکاری و همراهی‌ست و مردم خود به آن درجه از عقل و خرد دست یافته‌اند که خود را اسیر شهوت‌ها نسازند و بنده‌ی هوا و غرایز نگردند. در نتیجه، جامعه‌ی او، جامعه‌ی الهی شده و تحت پرچم توحید، قرار می‌گیرد.

از نقطه‌های درخشان حیات حضرت مهدی (عج)، تطهیر زمین از شرک و جور و فساد است. او شوکت و قدرت ظالمان را در هم می‌شکند، راه زورمداران و مستکبران را به زوال مبتدل می‌سازد و در این راه، ارشاد و هدایت او و کلامش که بر جان می‌نشیند، مؤثر است. مأموران و مبلغان او در گوشه و کنار، به

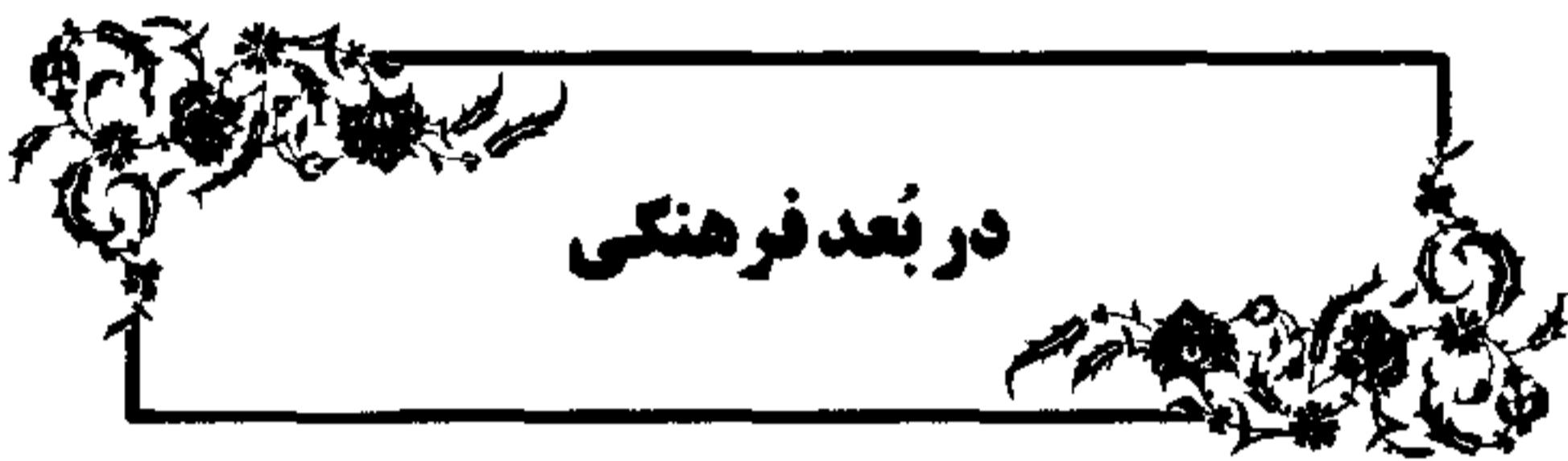
تبلیغ حق و دعوت به خیر می‌پردازند و مردم را در احیای معروف و نهی از منکر یاری می‌رسانند.

اسناد اسلامی ما حکایت از آن دارند که، عدالت در زمین استقرار می‌یابد، برادری و مساوات صدر اسلام، با درجه‌یی عالی تر رخ می‌نماید. امام رضا(ع) می‌فرمایند: «هنگامی که مهدی(عج) خروج کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌گردد، موازین عدل بین مردم استوار شده و احدی به دیگران ستم نمی‌کند».

زمان حکومت او تبعیض از میان می‌رود، راه‌ها برای مردم امن می‌گردد. خداوند دل‌های مردم را غنی می‌بخشد و عدلش را بر مردم ارزانی می‌دارد و کتاب و سنت را زنده می‌سازد.

او در اجرای حق، دقیق است، اجازه نمی‌دهد کمترین ستمی درباره‌ی مردم اعمال گردد. براساس اسناد، داوری حضرت مهدی(عج) همانند داود است که به باطن حکم می‌کند و حثاً در داوری از مردم بی‌تنه و دلیل نمی‌خواهد.

او همچنین در حکم عصمت دارد و خطایی در کار او نیست. قضاوت عادل، فقهای صالح، گرداگرد امام منتظر استوارند و امام آنان را برای تفهیم و اجرای احکام اسلام، به نقاط دور و نزدیک می‌فرستد و بدین‌سان، حکومت و حاکمیت حق پدید می‌آید.



در بُعد فرهنگی

اسناد اسلامی ما حکایت از آن دارند که در عصر ظهور، علوم توسعه یافته و دامنه‌ی آن گسترده خواهد شد، حتّا ۲۵۰ سال قبل از ولادت حضرت مهدی (عج)، سخن از ابداعات و اختراعات و توسعه علمی شگفت‌آور بوده است. در سخنی از رسول خدا آمده است که اگر مجموعه‌ی دانش بشری ۲۷ قسمت شد، همه آنچه را انبیا و رسول آورده‌اند، دو قسمت است و به هنگام ظهور حضرت مهدی ۲۵ قسمت دیگر عیان می‌شود و پیداست که در این صورت چه دنیای درخشانی از نظر علمی پدید خواهد آمد.

او آورنده‌ی حکمت است و غرض از آن، دانش نافع و سودمندی است که از استواری و استحکام برخوردار باشد. حکمت برخلاف علم در اختیار هر قدرتمند زورمدار نیست، بلکه معرفتی الهی و در خطّ رشد بشر است. وعده این است که، در عصر او به همه مردم حکمت و علم آموزند تا حدّی که

زنان خانه‌دار در خانه‌ی خویش با کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت کنند.

بسیاری از اسناد و روایاتی سخن از ابداعات و اختراعات در عصر ظهور دارند، مثلاً در عصر پیامبر (ص) سخن از اسب و شتر و الاغ برای کسب بوده و او سخن از هواپیما داشته است، هنوز عینک و ذره‌بین به بازار کار نیامده بود که او سخن از رادیو و تلویزیون داشته است. امام باقر (ع) فرمود: «در عصر ظهور حضرت مهدی (عج) فردی در مشرق دنیا است، درحالی که برادرش را در مغرب دنیا می‌بیند، بدون اینکه از جایش حرکت کند. اصوات او را از فاصله‌ی دور می‌شنوند، از دور قائم آل محمد با آنان صحبت می‌کند، او را می‌بینند و صدایش را می‌شنوند. در ابر سیر می‌کنند، به آسمان عروج می‌کنند. جو وسیله‌ی انتقال نگارش است و کلام آدمی را می‌گیرد و به هر نقطه‌ی می‌رساند و این علوم در خط دین است.»

خردورزی در عصر او رواج می‌یابد، حتّاً سخن از این است که، مهدی (عج) دست بر سر مردم می‌کشد و برایشان عقل و فرزاندگی می‌آورد. خرد مردم را به کمال می‌رساند و افراد تمرکز خود را به دست می‌آورند. در عصر ظهور، تربیت اسلامی و الهی دامن‌گستر شده و هر کس می‌کوشد که خود را به زیور آن بیاراید. تربیت اعمال شده توسط حضرت مهدی (عج)، همه ابعاد وجودی ایشان از جسم و ذهن و عاطفه و روان را شامل است، همه امور انسان از اقتصاد و سیاست و فرهنگ را در بر

می‌گیرد، در همه مناطق نفوذ می‌کند و همه افراد از زن و مرد و پیر و جوان و سیاه و سفید را زیر پرچم خود قرار می‌دهد و در عمق جان آدمی نفوذ می‌کند.

او به همه مردم حکمت و ادب می‌آموزد تا حدی که پرده‌نشینان نیز از آن سر درآورند. همه جا درس است. کلاس است، دین‌آموزی و دینداری است. همه جا پاسداری از مقدّسات دینی و ارزش‌هاست. برای اصلاح روحانی و نفسانی مردم، ایجاد تغییر و تحوّلی مثبت در مسیر زندگی انسان هاتلاش وافر است. همه جا دستورالعمل دین کاربرد دارد و معلمان اعزامی از سوی آن حضرت، همه زندگی مردم را تحت نفوذ خود قرار می‌دهند.

از مختصات دوران ظهور این است که، علم و ایمان در هم می‌آمیزد و بین دین و دانش جدایی نیست. دیگر مشکل بی‌تعهدی علم و عدم التزام عالم نیست که برای بشریت دردسر بیافریند و یا حاصل علم بمبی شود و بر سر مردم محروم مستضعف فرود آید. دل‌های مردم در سایه‌ی علم و ایمان چون پاره‌های آهن می‌شود و مردم در سایه‌ی علوم الهی از نظر ایدئولوژی و اندیشه واحد می‌گردند. در اثر عنایات الهی حتّاً آگاهی‌ها صورت موهبتی پیدا می‌کنند و امکان دارد که مرز علم‌آموزی فراتر از تعلیم و تعلّم باشد. وجود امام چون مشعل هدایتی برای مردم است و مردم با استفاده از این الگوی عملی، راه و رسم انسانیت را فرا می‌گیرند.

بر اثر رشدی که در جامعه پدید می‌آید، جاهلیت نفی می‌گردد، معبودهای دروغین درهم شکسته می‌شوند و تنها الله معبود مردم می‌شود. اسلام حیات خود را از نو آغاز می‌کند و زندگی بر اساس قرآن و سنت تنظیم می‌گردد. بر اساس اسناد، در عصر ظهور، اندیشه‌ها به تکاپو می‌افتند و زمزمه‌های حکمت و معرفت فراگیر می‌شوند. دیدگان مردم با آیات قرآنی جلا می‌یابد و در گوش مردم تفسیر قرآن طنین می‌افکند و چنان است که مردم صبح و شام جام‌های حکمت را سر می‌کشند. دوران جاهلیت به سر می‌آید و سران جاهلیت دچار سیلی انقلاب می‌شوند و گروهی مردانه به میدان آمده و جان دادن در راه خدا را ناچیز می‌شمرند.

جامعه به بلوغ فکری رسد. سرخوردگیهای گذشته مایه‌ی عبرتی گردد. عشق به کمال و تکامل از درون جوانه می‌زند، قاطعیّت در عین موقع‌شناسی و جریان‌شناسی در آدمی قوّت می‌گیرد و با هدایت حضرت مهدی (عج)، ابعاد شرک و دورویی بر چیده می‌شود. آنچه در خطّ امام است، بیان حق، مجاهده، جنگ و آتش علیه ناحقی‌ها و دفاع از اصالت و حقّانیت دین است. همگان سعی دارند یکدیگر را از تنگنای دنیاپرستی به خداپرستی سوق دهند و از جور آیین‌ها، افراد را به سوی عدل اسلام بکشانند.

او جامعه‌یی را پی می‌نهد که روشن و هدایت‌یافته است، عقول تابناکند، سیر همگان به سوی پاکی، امانت، انصاف،

رعایت حقوق، خداپرستی و خدادوستی است. در عصر او، زنان از رشد و ارتقا برخوردار می‌شوند و فرصت آن را می‌یابند که خود را به حد رشد و کمال برسانند. دانش‌طلبی آسان، رایگان و همگانی خواهد شد و علم و دانش که موهبتی الهی است، از انحصار عده‌ی خاص بیرون می‌آید و در دسترس همگان قرار می‌گیرد. دانش و فرهنگ بی‌مرز می‌شود و هر کس دانش را گمشده‌ی خویش می‌داند.

حضرت مهدی (عج) در عصر ظهور، اقداماتی بدیع دارد. او مأمور به باطن است و بر اساس شرایط درون، حکم خواهد کرد. کارش عجیب و اجرای احکامش عجیب‌تر است. برخی از اقداماتش زمینه‌ساز مقاومت‌هاست و احکام او را تنها کسانی می‌پذیرند که خداوند دلشان را به ایمان واقعی پرورده و آن را سخت و استوار کرده است.

مثلاً سخن از این است که، حضرت مهدی (عج) صلیب‌ها را می‌شکند، یعنی همان چیزی که نزد مسیحیان مقدس است، ولی از نظر دینی و تاریخی اصالت ندارد. بت‌ها را نابود می‌سازد. برخی از ساختمان‌ها را که مزاحم مردمند، تخریب می‌کند، مساجد پر از زرق و برق که ذهن‌ها را در حال نماز متوجه خود می‌سازد، تخریب می‌کند، حتا سخن از تخریب برخی از بناها در مسجد الحرام است، همچنین مراکز فساد و بناهای غصبی را ویران می‌سازد.

او در هنر تغییر ایجاد می‌کند، هنر را وسیله‌ی بیداری قرار

می‌دهد، نه وسیله‌ی تخدیر. وسایل مطربی را از میان برمی‌دارد و مردم را در برابر گناه مقاوم می‌سازد. او آمده است که سمبل‌های نجاست و آلودگی (خوک) را بکشد، بلندپروازی‌ها را سرکوب کند، کینه و عقده را از میان بردارد، برای غیر مسلمان و اهل کتاب جزیه وضع کند و در کل، مدنیتی نو و بی‌سابقه در جهان پدید آورد.

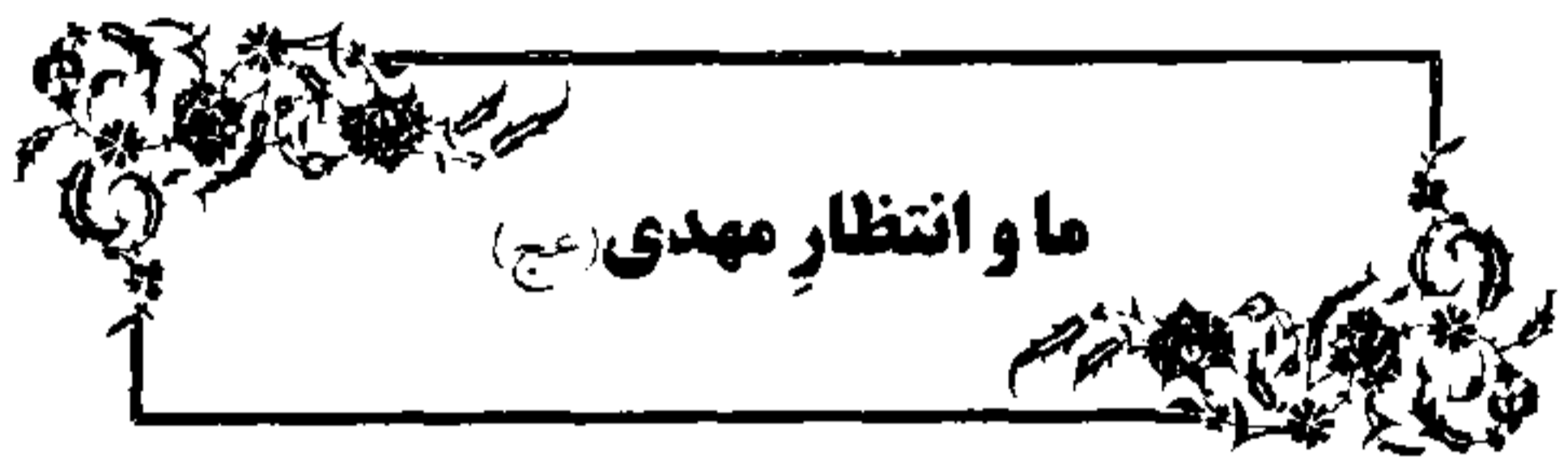
او همچنین در مبانی فکری مردم، تغییر پدید می‌آورد، آداب و سنن اجتماعی را عقلانی می‌سازد و چنین نخواهد بود که هر چه از اجداد است، عزیز و گرانقدر باشند. زیرا از کجا که گذشتگان و اجداد راه درست را پیموده باشند. او به ارزیابی آداب و رسوم می‌نشیند و مردم را وامی‌دارد که درباره‌ی آن بیندیشند. نقاط مثبت و منفی آن را در نظر آورند. در نتیجه، او همان کاری را انجام می‌دهد که پیامبر انجام داده است. خط‌پیشین را منهدم و نابود می‌سازد و آثار جاهلیت را از بین می‌برد.

از اقدامات اساسی او، احیای شُنن است، سنت‌های بی‌پایه را از میان برداشته و سنت پیامبر را به جای آن استقرار می‌بخشد. بدعت‌هایی را که از روزگاران پیشین در دین وارد شده، شناسایی کرده و به ازاله‌ی آن می‌پردازد.

آری، برخی از زمامداران به اسم خلیفه‌ی پیامبر در دین به تغییر و تحریف‌هایی پرداختند، صورت اذان را تغییر دادند، حکم طلاق را عوض کردند، متعه را تحریم کردند، صورت نماز

را عوض کرده و با دست‌های بسته نماز گذاردند و...، حضرت مهدی (عج) آن بدعت‌ها را زایل خواهد کرد و مردم را به اصل رجوع خواهد داد.

او پس از ظهور، قرآن را امام و رهبر مردم قرار می‌دهد و از آنان می‌خواهد که به هر چه قرآن دستور داده است، عمل کنند. تفکرات و اخلاق را رنگ الهی می‌دهد، کتب ضاله و پرچم کفر را از میان برمی‌دارد. از امام باقر (ع) پرسیدند که مهدی بر اساس چه خط و روشی حکومت خواهد کرد؟ ایشان می‌فرماید: «بر اساس همان خط و روش رسول الله، با این تفاوت که رسول خدا فرصت آن را نیافت که همه آنچه را در خواست و نهادش بود، پیاده کند اما حضرت مهدی (عج) در آن موفق خواهد بود».



انتظار چیست؟ نوعی چشم به راهی، توقع رسیدن فردی از راه که برای ما عزیز و گرانقدر است. چشمداشت وقوع امری که برای ما مهم و سرنوشت‌ساز است. خواستار وصلِ محبوبی که ما از او دوریم و به ما گفته‌اند که او می‌آید. اما نمی‌دانیم که چه گونه؟ برای آن کس که در نقش سرباز مجاهدی‌ست، انتظار چشم به راهی آمدن فرماندهی‌ست که بیاید و دستور حمله به اراذل و اوباش و ستمگران را صادر کند.

این انتظار را انبیای الهی، بویژه پیامبر اسلام و ائمه‌ی هدی که مصون از خطایند، به ما آموخته‌اند، حتّاً متذکّر شده‌اند که سرخوردگی و طولانی شدن غیبت، شما را به ستوه نیاورد و از این انتظار شما را بیرون نکشاند. به ما گفته‌اند که باطل به دست آن موعود از میان رفتنی‌ست، اگر چه چند صباحی بر روی آب سر کند. این تویی که باید آماده شوی که در پای رکاب حضرت مهدی سرمایه‌گذاری کرده و در

مواقع لزوم در راه هدف مقدّس او جان فدا کنی!
انتظار می‌تواند سازنده و جهت‌دهنده باشد و یا ویرانگر و منفی؛ نوع اخیر برای کسانی است که دست بر سینه نهاده و متوقّف و بی‌حرکت در انتظار او هستند که بیاید و برایشان خانه و آسایشگاه و گردشگاه بسازد. وضعشان را خوب کند. و موجبات عیش و نوششان را فراهم نماید. اما چنین انتظاری، فساد آفرین، بدبخت‌کننده و موجب رکود و جمود و شرور است. منتظر راستین از نظر ما کسی است که مسئولیت‌پذیر باشد و روح مقاومت و ایستادگی را در درون خود پروراند و در طلب حق، همانند یک بسیجی مبارزه کند.

در بینش ما، انتظار حالت دینامیک جامعه است، باید آدمی را از حال رکود و جمود و سستی و غفلت نجات بخشد و او را فردی گوش به فرمان حق بار آورد و در برابر جریانات نیک و بد جامعه، مسئول سازد و چنین انتظاری دارای ارزش است و در نزد خداوند محبوب، و منتظری اینچنین، همانند کسی است که خون خود را در راه خدا بذل می‌کند.

در طریق انتظار، آگاهی و شناخت لازم تأکید و این مهم است که منتظر دریابد در چه جوّ و موقعیتی است. در برابر جریانات حال و آینده چه وظیفه‌ی دارد و چه کارهایی می‌تواند بکند و یا باید بکند. آنچه در این راه برای او مهم است، عبارتند از:

□ شناخت خود، بویژه شناخت نقاط ضعف و قوت. توانایی

انجام کار، میزان علاقه و شوق خود به انجام وظیفه، میزان علاقمندی به سرمایه‌گذاری در این راه...

□ شناخت حضرت مهدی (عج) که او کیست و چه مأموریتی دارد. نحوه‌ی رهبری او، شرایط و امکانات او، میزان مقاومت او در برابر شدايد و مواضعش در برابر مؤمن و کافر... .
□ شناخت راه، اصلاحات و اقدامات و داوری‌های او.

شناخت سختی و آسانی کار و تلاش او و نیاز او به همراهی و همکاری.

□ شناخت شرایط او در رهبری، در زندگی، در برابر دوست و دشمن، ساختن و ویران کردن، جنگ و صلح و...

□ شناخت وظیفه و مسئولیت خود در برابر او و در عصر غیبت، در زمان ظهور، که این شناخت‌ها باید حاصل آیند تا آدمی با چشم باز به پیش رود و از روی آگاهی و اطلاع او را بخواند و یا برای تعجیل در فرجش دعا کند.

البته مسأله‌ی تولی و تبری در عصر غیبت او و ضرورت توجه در این امر، یاریگری برای دوران ظهور، آماده‌سازی جو و شرایط برای ظهور، دشمن‌شناسی، شناخت موانع راه، بی‌اعتنایی و اعلام نفرت به ستمکاران، پرورش عشق و محبت او در درون خود، تمرین‌های لازم برای کسب آمادگی، پرهیز از سستی و کاستی و کاهلی، عمل به انجام وظیفه، هشیاری در حیات و... از اهم مسائل برای یک منتظر است.

همان گونه که ذکر شد، از مسائل مهم برای منتظر، کسب

آمادگی است. مبادا مهدی (عج) بیاید و ما آماده‌ی پذیرش او و یا در خط کمک‌رسانی به او نباشیم! انتظار فرج نیازمند کسب آمادگی درونی، ورزیدگی و کسب مهارت‌های بیرونی است. باید دل پذیرای او شود و سردی درون، پهنه‌یی برای ورود و جلوس در آن باشد. دامنه‌ی این آمادگی وسیع و شامل موارد زیر است:

□ آمادگی اعتقادی، بدین معنی که منتظر نیازمند آگاهی در عرصه‌ی عقیده به مهدی (عج) و خط فکری و راه و رسم اوست. نیازمند عقیده به توحید است که رکن اساسی دین می‌باشد، اعتقاد به نبوت و معاد است. اعتقاد به هر چیزی است که از جانب خدا بر پیامبر نازل شده، از جمله: احکام، تعالیم، اخلاق و دستورالعمل‌ها.

منتظر نیازمند دین‌آموزی، دین‌داری، پاسداری از دین، کسب تبخّر در مباحث دینی برای مناظره و دفاع از حق است. او نیازمند التزام به دین و گردن نهادن بدون چون و چرا به دستورات دینی، ایمان به غیب، ایمان به حقیقت و حقانیت اوست. او باید در این آگاهی و اعتقاد معرفتی شایسته داشته باشد و برای خود تمرین ثبات‌قدم نماید و بکوشد دلی محکم و استوار و سرشار از ایمان برای خود فراهم آورد. منتظر نیازمند آمادگی جسمی، ایجاد قدرت و مقاومت در خود است تا در زمان ظهور، کمک‌کاری برای کارهای او باشد و بتواند رنج‌ها و مشقّات را تحمل کند. در روایات آمده که یاران امام زمان هر

یک در نبرد، همانند چهل مردند و قلبشان محکم‌تر از پاره‌های آهن است.

منتظر باید دارای عاطفه بوده و حبّ و بغضی اندیشیده داشته باشد. امام را از صمیم دل و چون جانش دوست بدارد و در طریق دوستی به آنچه سبب جلب محبت است، بیاویزد و از هر چه که سبب کراهت اوست، دوری گیرند.

منتظر در بعد روان باید همیشه بلندهمت، دارای سعی صدر و آزاداندیشی باشد. او جرأت و شجاعت، حق‌دوستی و حق‌خواهی، روحیه‌یی با نشاط، عرض ارادت و اخلاص لازم دارد.

□ منتظر نیازمند آمادگی رزمی است. باید تمرین مبارزه و جهاد کند، فنون لازم را بیاموزد و ورزیدگی لازم را در این عرصه کسب کند. همچنین نیازمند آمادگی تبلیغی است به گونه‌یی که بتواند از حیثیت اسلام و قرآن دفاع کند، همانند مأمور تبلیغی از جایی به جایی نقل مکان کند.

او باید مهمان‌پذیر باشد. خود را آماده‌ی پذیرایی از مهمانی عزیز کند. خانه‌ی دل را آماده سازد، آلودگی‌ها را از آن دور کند، برای حفاظت و یا پاسداری از او بیندیشد. مراقب باشد که مبدا مهمان بیاید و بر او سخت بگذرد! مبدا شرایط امنیتی او از هر حیث فراهم نباشد! مبدا بیاید و در غربت قرار گیرد و یا مورد بی‌احترامی واقع شود!

منتظر باید عامل باشد، عامل به خیر، عامل به هدایت

دیگران، عامل به امر به معروف و نهی از منکر. او اهل حرکت و تلاش است، دچار رکود و جمود و سستی نیست. برای سازندگی خود سازندگی دیگران در حرکت است. همیشه در حال آماده‌باش است، آرام و قرار ندارد.

او اهل دیانت، اهل عبادت و اخلاص، اهل ذکر و زمزمه‌های نیمه‌شب. اهل تمسک و التزام به دین است. او می‌کوشد پرچم دین را برافرازد و از دین و ارزش‌های دینی دفاع کند.

او اهل زهد و تقواست. از خدای متعال پروا دارد. خداوند را در همه حالات و حرکات و مواضعش شاهد و ناظر می‌داند. مراقب آن است که مبادا در مسیر حرکت دچار سقوط گردد. دنیا را دوست دارد، ولی بدان وابسته نیست، مال و زندگی را دوست دارد، ولی شرف و تقوای خود را فدای آن نمی‌کند.

او از باطل و ناروایی‌ها و بدی‌ها و انحرافات و از گنهکاران و آلودگی‌ها اعراض دارد. اصل تولی و تبری همواره مدنظر اوست. وسوسه‌ی شیطان را در دل راه نمی‌دهد، با آنها که مطیع خدا نیستند، دوست و همکار نیست.

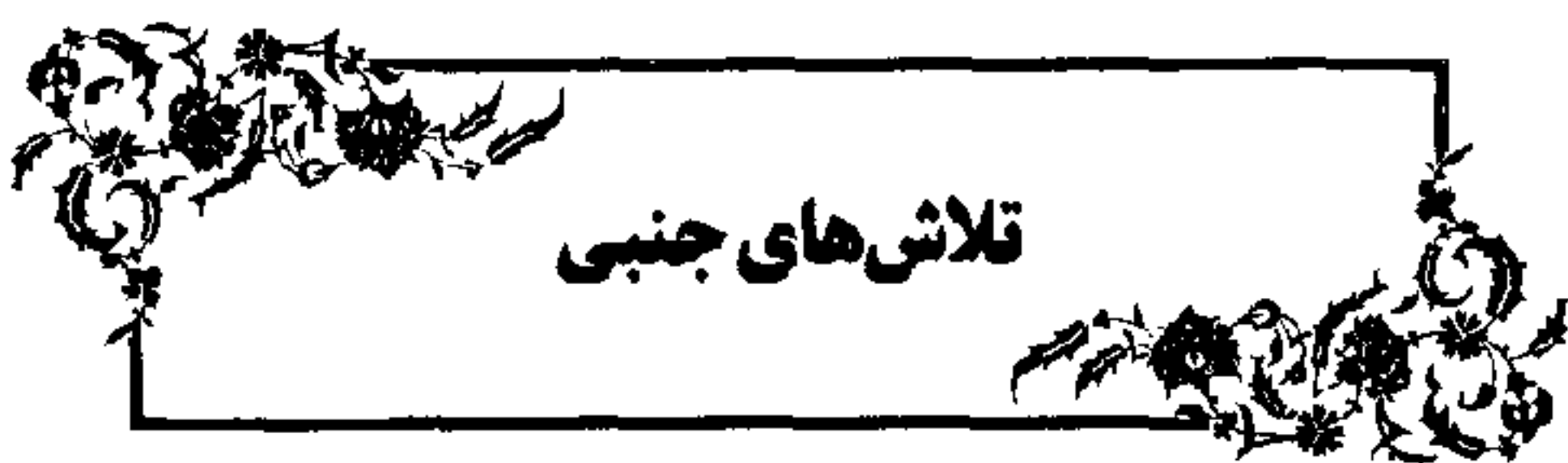
او اهل تحمل است و برای خداوند رنج‌ها را می‌پذیرد. فراق امام را تحمل می‌کند. دل به امید دیدارش زنده می‌دارد. متحمل رنج و مبارزه است، شوکت‌های پوچ را نفی می‌کند و حاکمیت کفر و دورویی را طرد می‌کند.

او اهل سرمایه‌گذاری در راه دین است و تن و جان را برای

پذیرش حکومت مهدی (عج) آماده کرده و در این راه تا حدّ توان از سرمایه‌گذاری مالی مضایقه ندارد.

او اهل اخلاص است. در مسیر انتظار، ریا و دروغی ندارد برای خدا می‌کوشد، برای خدا سرمایه‌گذاری می‌کند و در پی آن نیست که کسی از آن سر درآورد، همواره این اخلاص را وظیفه‌ی خود می‌داند.

بالاخره، او اهل توشل و استمداد است. شبیه آتش گرفته‌یی است که برای خاموش کردن آتش خویش، هم به دنبال آب می‌رود و هم از دیگران کمک می‌طلبد.



برای یک منتظر، علاوه بر راه‌شناسی و کسبِ آمادگی، مسائل دیگری نیز مطرح است که باید بدان‌ها عنایت شود، از جمله: آماده‌سازیِ دیگران برای پذیرش حضرت مهدی (عج) و ظهور او، پاکسازی جامعه از لوث گناهان، امر به معروف و نهی از منکر، تهیة یاران و همکاران ماهر که هم به فنون لازم و جهاد و دفاع آگاه باشند و هم از صمیم قلب، نهضت امام را پذیرا بوده و با کمال صفا و صمیمیت به همراهی و همکاری با امام پردازند.

اینکه این آماده‌سازی و تلاش باید تا چه حد باشد، پاسخ این است که این امر نیاز به آگاهی وسیع و پر دامنه دارد. و همچنین آمادگی وسیع و همه جانبه و توأم با سرعت مهم است از آن بابت که زمان ظهور، ناگهانی است.

برخی از آمادگی‌ها عبارتند از:

□ آمادگی فکری که به نظر ما این امر از همه مهم‌تر است،

پیش از ظهور هر نهضتی، باید اندیشه‌ها ساخته و آماده‌ی پذیرش و همکاری باشند. پیامبر(ص) پیش از تشکیل حکومت در مدینه، افکار مردم را در مکه ساخت و به آنان آمادگی پذیرش داد.

□ آمادگی تبلیغات و رساندن پیام امام به گوش مردم که او پس از ظهور باید دائماً در حرکت و تلاش باشد. به این سوی و آن سوی رود و مردم را به دین آشنا کند.

□ آمادگی برای انجام اصلاح که همراه با رنج و زحمت است. بسیاری از افراد خواستار جوی آرام و بی‌سر و صدا هستند و حاضر نیستند وضع موجود به هم بخورد.

□ تقویت اراده‌ی خود که بسیاری از سقوطها ناشی از ضعف اراده است. وسوسه‌ها و دودلی‌ها، زمینه‌ساز تضعیف‌هاست و باعث آن می‌شود که در امر غیبت و بعدها در عصر ظهور، آنان مقاومتی نداشته باشند.

□ ایستادگی در برابر ناحق و پاسداری از حق و خواستاری جریان امور بر محور حق.

□ آماده‌سازی مردم برای تبدیل تفرقه به وحدت، بیدارسازی خفتگان در برابر جریان ظلم و ستم و اندیشه‌های حیوانی.

□ تلاش در جهت از میان برداشتن تضادها و تعارض‌ها در جامعه و آمادگی برای اقتدای به حضرت در همه عرصه‌ها.

□ پاکسازی جامعه از ناخالصی و آلودگی، و صاف و هموار کردن محیط برای پذیرش حضرت مهدی(عج) و اجرای اصلاحات او.

اما از آمادگی‌های مهم برای خود و دیگران، آمادگی برای مبارزه است. این امر بدان خاطر است که مسأله‌ی قیام و اصلاح برای مردم ارزان تمام نمی‌شود. چه بسیارند افرادی که به خاطر احساس خطر در منافع خود، در برابر امام صف‌آرایی می‌کنند و جز با اسلحه کارشان سامان نمی‌گیرد. بدین‌سان امام زمان نیازمند نیروهای فداکار و مبارز و مدافع اسلام است که البته دامنه‌ی مبارزه وسیع است، از جمله:

□ مبارزه با نفس خود، که بسیاری از لغزش‌ها نشأت گرفته از هواهای نفسانی‌ست و تا دنیای فریبنده و دلبستگی به مال و زیور آن وجود دارد، نمی‌توان کاری را از پیش برد.

□ مبارزه با افکار ارتجاعی که در عصر غیبت، تأکید بر اصلاحات اساسی‌ست، نه تهیة‌ی وسایل عیش و نوش و تفریح. اگر جامعه اصلاح گردد، آن مسائل هم به صورت متعادلی در جامعه پدید خواهد آمد.

□ مبارزه با فساد و جرایمی که در جامعه جریان دارد و زمینه را برای تخدیر و آلودگی نسل فراهم می‌سازد. جامعه‌ی فاسد، محل پذیرش حضرت مهدی (عج) نیست.

□ مبارزه با ظلم و ستم، مبارزه با تبعیض و تحقیر - که ظلم براندازی در کار امام زمان (عج) است. مقاومت خودکامگان باید درهم شکسته شود و سلطه‌ی اشرار باید برچیده گردد.

□ مبارزه با آتش‌افروزان که برخی از افراد در آشفته‌بازار سیاسی و اقتصادی، زمینه‌ساز ترویج باطل و نفاق‌آفرینی در

جامعه‌اند و در برابر آنان، سینه سپر کردن و افشاگری و رسواسازی ضروری‌ست. منتظر دوران غیبت و پس از آن نیازمند نبرد تدافعی و حتّا جنگ پارتیزانی‌ست.

او در راه احیای حق، هرگز دچار تسلیم نمی‌شود. حتّا اگر سررشته‌ی حیات به سر مویی بند باشد، او نشاط و امید خود را از دست نمی‌دهد. او هرگز از تنهایی و بی‌یاوری خود در عصر غیبت گله‌مند نیست. بر اساس اصل عقلانیت به پیش می‌رود و در این راه، نه خود را می‌بازد و نه تسلیم می‌شود.

منتظر در راه هدف، مقاوم است؛ زیرا او احساس پیمانی با خداوند دارد. سفارش این است که در آن عصر، بر آزار و اذیت دشمنان خود صابر باشید، با امام مهدی (عج) هم‌رزم و با او هر روز تجدید عهد کنید و با گام‌های محکم و استوار در راه هدف به پیش روید. حال باید بدانیم که دامنه‌ی مقاومت تا چه حد، و در چه زمینه‌هایی باید باشد:

□ در زمینه‌ی نشر و تبلیغ دینی، زیرا قیام او قیام الهی‌ست، قیام اسلامی‌ست و برای آنان که می‌خواهند در خطّ امام زمان باشند، آگاهی دینی خود یک رکن است. چه بسیارند گوش‌های ناشنوا و دل‌های سخت که حقایق در آن راه نمی‌یابد.

□ در برابر خطوط نو و جدید و زرق و برق‌ها باید مقاوم بود که بسیاری از آنها لغزنده و منحرف‌کننده‌اند. او باید اصل را بر منطق و دلیل قرار دهد، نه زرق و برق ظاهر.

□ در برابر لغزش‌ها و انحرافات، باید ایستاد. کثرت آلودگان

نباید سبب شود که افراد خود را ببازند و هم‌رنگ جماعت گردند. اگر همه کاینات کافر گردند، ما وظیفه‌ی ایستادگی و مقاومت در راه حق و زندگی و حرکت در خط خداداریم.

□ در تحمل بلاها و آزارها و مسخره کردن‌ها و تحقیرها باید مقاوم بود که عاشق حضرت مهدی (عج)، نه تنها باید متحمل باشد، بلکه باید تحمل‌آفرین باشد. عاشق دل‌داده در راه رسیدن به معشوق از زخمی شدن هرگز نمی‌هراسد.

□ روحیه داشتن و روحیه‌بخشی، خود اصلی مهم در این مسیر است. منتظر نباید چنان باشد که در برابر ضربه‌یی، خود را ببازد و اعلام بازگشت و پشیمانی کند. او باید فردی مقاوم، همانند مجاهد فی سبیل‌الله باید باشد.

□ توجه به کارهای مهمتر و برتر که از جمله آن انتظار فرج است و نیز حفظ دین و آیین که در آن روزگار دین‌داری چون داشتن آتش در کف دست است.

مراقبت‌آموزی و مواظبت بر حال و حرکات و اتخاذ مواضع و استواری در فراز و نشیب‌ها و تحمل نامرادی‌ها و ارزیابی‌ها و آواها دعوت‌کنندگان که کدام بر حق و صواب و کدام ناصواب است.

منتظر نیازمند دعا و استمدادی است تا بتواند این دوره‌ی دشوار را با آن نیک روزی به فرجام رساند. در این راه، دامنه‌ی وسیعی از استمداد را باید مد نظر داشته باشد:

□ استمداد از خود به صورتی که همه کوشش و تلاش خود را

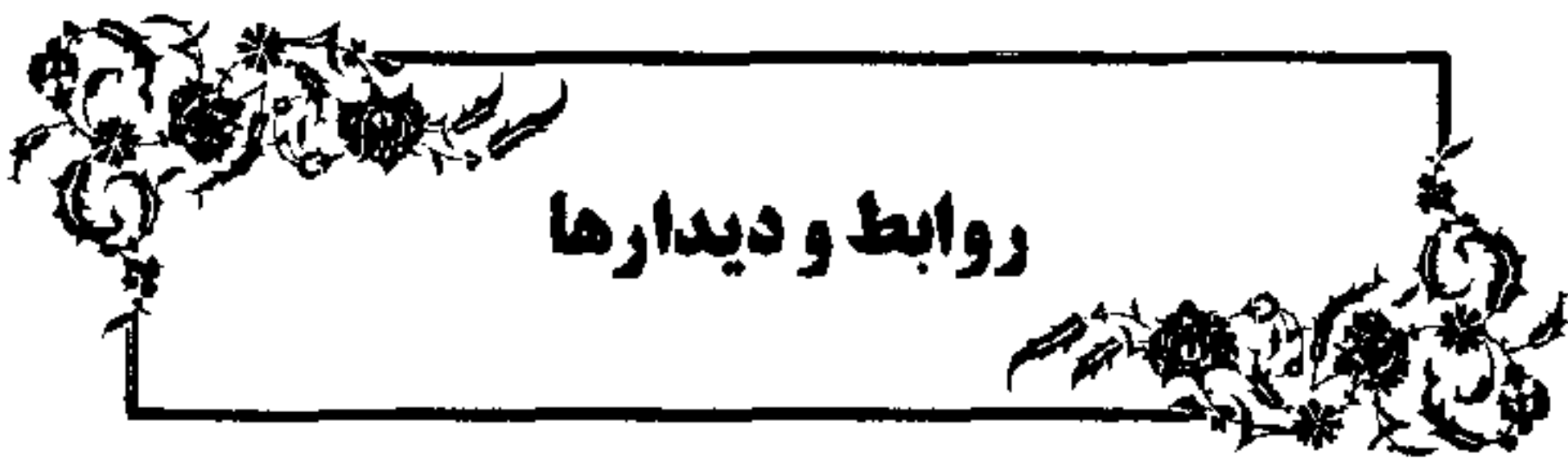
در این راه به کار گیرد و همه ظرفیت خود را عرضه کند که از ابزار مشروعی برای دستیابی به هدف بهره جوید و مقصد او وصل محبوب و جلب رضای خداست.

□ استمداد از خودِ امام که مشوق اوست. معصوم و به دور از گناه است. دعای او درباره‌ی خود و دوستدارانش به اجابت نزدیک‌تر است. پیامبر(ص) فرمود: «چون در امری گرفتار و درمانده شدی، به حضرت حجّت(عج) استغاثه کن».

□ استمداد از کسانی که نزد خداوند آبرویی دارند و آنان را توان و امکانی برای کار و تلاش است.

□ استمداد از خداوند که قدرتی بی‌نهایت و صاحب خلق و امر است! اگر او اذن دهد، کارها سامان می‌یابند و خداوند دوست دارد که مورد سؤال و درخواست واقع شود و از او چیزی بخواهند.

برای حضرت مهدی(عج) باید دعا کرد؛ دعا برای سلامت او، دعا برای فرج و گشایش امرش، دعا برای نصرت او، دعا برای دیدار و اتصال به او، دعایی برای داشتن ثبات قلب و همکاری در راه او، دعا برای افزوده شدن محبت او در دل، شهادت در رکابش، بهره‌مندی از امنیت دینی و... این دعاها باید در عین تأثر از فراق مهدی(عج) باشد. چه بسیارند مشتاقانی که برای فراق او می‌گریند و آه و ناله سر می‌دهند و حتّاً راهی بیابان‌ها شده تا شاید به دیدارش نائل آیند.



شوق دیدار مهدی از اموری است که برای هر عاشق منتظری مطرح است. بویژه که مدت غیبت او طولانی شده و کاسه‌ی صبر عذّهی لبریز گشته است. این آرزو تنها برای ما نیست که سال‌ها در غم فراق او، در دوران غیبت نالانیم، بلکه آرزوی دیدار او برای امامان، ده‌ها سال قبل از ولادت او وجود داشته است. امام صادق (ع) بیش از صد سال قبل از ولادت او، از محرومیت دیدارش می‌گریست و با عبارت «جانم فدای تو» از او یاد می‌کرد. یتیمی آن کس که از امام خود جداست.

آری، در دید مشتاقان، سخت‌تر از یتیمی فرزندی است که پدر را از دست داده است. انگیزه‌های دیدار، برای افراد مختلف متفاوت است، برخی بته دلایل زیر خواستار دیدار او هستند:

□ برای اثبات وجود و حیات او و برای اینکه از شک و تردید یک دوست، خواستار دیدار دوست و عاشق طالب دیدار معشوق باشد.

□ برای پرسش و درخواست از مسأله‌یی که حل آن در گرو مشکل‌گشایی امام است، مثل: مسأله‌یی فقهی، علمی، دینی.

□ برای کسب تکلیف در همگامی با امام و در اجرای مأموریتی که به کسی واگذار شده است، مثل کسب تکلیف سربازی از فرماندهی خود.

□ البته برای برخی هم شاید نفس خواهش دیدار، امتناع خواسته دل، روشن‌بخشی درون، کسب حرارت لازم برای حرکت و طپش داشتن دل... مطرح باشد.

دیدارهای امام گاهی به صورت رسمی و ناشناخته است. مثل حضور او در مراسم حج که مردم او را می‌بینند و نمی‌شناسند. گاهی هم به صورت شناخته شده است، خواه به صورت دیدار رسمی، و خواه به صورت دیدار پس از گره‌گشایی او. امام را می‌بینند و پس از جدایی از او، می‌یابند که او امام زمان بوده، مثل داستان حاج علی بغدادی و... .

در عین حال، تاریخ از کسانی نام می‌برد که در صدق سخنشان شکی نیست و آنان به دیدار حضرت، نایل آمده‌اند، مثل مرحوم شیخ مفید، مقدس اردبیلی، سید رضی، سید ابوالحسن اصفهانی، میرزای قمی، میرزای شیرازی، ملامحمد حسن صاحب جواهر و... ولی در این دیدارها اعلام واسطگی بین فرد و امام زمان (عج) مطرح نبوده که مثلاً اعلام دارد او نایب خاص امام زمان است که این نیابت از قبل نفی شده است. آنچه برای این دیدار مهم است، پاکی دل و طهارت

روان و دوری از گناه است.

امام. زمان با مردم رابطه‌های بسیاری دارد. وجودش سبب دلگرمی مردم و اسباب استحکام عقیده است، یاد و خاطره‌ی او، دل را گرمی می‌بخشد و لطافت معنوی او، مایه‌ی سرسبزی بوستان دل است. از چشم مردم پنهان است، ولی از دلشان پنهان نمی‌شود.

رابطه‌ی او با مردم، رابطه‌ی فیض است. عنایات خدا به واسطه‌ی او به مردم می‌رسد، زیرا او مصداق واقعی خلیفه‌ی خدا بر زمین است و روایات ما می‌گویند که به برکت آن خلیفه واقعی (پیامبر یا امام) است که باران می‌بارد، به مردم روزی داده می‌شود و به برکت اوست که مردم از عذاب خدا درامانند، هم و غم از میان برداشته می‌شود و برکات از آسمان نازل می‌گردد.

او بر مردم تجلیاتی دارد، گاهی در مجالس و محافل حضور می‌یابد و برق و درخشندگی از او ساطع می‌گردد. زمانی به درماندگان و سوخته‌دلان یاری می‌رساند، مشکل فرد وامانده‌ی را حل می‌کند، بدون اینکه خودش بداند که آن مشکل چه گونه حل شده است، زمانی تجلیات رؤیایی دارد و وارد خواب افراد شده و ارشادات و هدایت‌هایی برایشان ارائه می‌دهد، مخصوصاً برای آنان که با اندوه، از غم فراق او می‌گیرند و با ذکر او با گریه به خواب می‌روند.

زمانی به صورت نامه و مکتوب با افراد ارتباط برقرار

می‌کند و برای مشکلشان گره‌گشایی می‌نماید و میزان این نامه‌ها که در کتب اسلامی ما آمده، اندک نیست، مثل نامه‌اش به علی بن محمد سیمری، آخرین نایب او یا نامه‌اش به شیخ مفید و نامه‌اش به مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی و...

برای دیدار او کسب شایستگی لازم است و در این کسب، آنچه مهم است، عبارت است از:

□ پاک شدن از همه آلودگی‌ها، گناهان، نابسامانی‌ها و از هر چه که مایه‌ی ناخشنودی حضرت مهدی (عج) است.
□ پر شدن از فضایل و کرامات، علم و فکر خداپسندانه، جرأت و شجاعت و شهامت، زهد و تقوا، انس با قرآن و اهل بیت...

□ خالص شدن در هر چه تظاهر و ریاست، از هر چه تصنع و ظاهرسازی است و آمادگی خالصانه برای خدمت به او. امام صادق (ع) می‌فرماید: «اگر دوران مهدی را درک کنم، به خدمت او در دوران حیاتم خواهم پرداخت».

□ بنده شدن و غرض بندگی خالص خداوند است. به شرف ملاقات نخواهد رسید مگر در سایه‌ی اطاعت خدا و تبعیت از فرمان او، همه چیز او باید در خط بندگی باشد، حتا دوستی و دشمنی (حب فی الله و بغض فی الله)

□ عاشق شدن و دیدارخواهی و بی‌قراری در این عشق و محبت، پرجوش و پرخروش شدن، چون ابر در حرکت بودن، چون رعد در فریاد بودن، استغاثه، التجا.

□ تلاش برای وصال و بیرون آمدن از حالت رکود و جمود و افسردگی و در این تلاش، پیروی صادق بودن، امر اصلی است.

□ افزودن بصیرت و بینش خود که بداند چرا مهدی (عج) را می‌طلبد و چرا در راه او مبارزه می‌کند و چرا خواستار تعجیل در فرج اوست.

□ تحمل داشتن برای پذیرایی از مهدی (عج) و آماده‌سازی و پاک‌سازی محیط دل برای مکان دادن به او و پروراندن محبت او در دل به گونه‌ای که در این راه از قبول رنج‌ها و مرارت‌ها و خلیدن خارها در راه او، آه و ناله برنیاورد.

□ رعایت تقیه در همه احوال و غرض در آن، حفظ نیروهای خودی و نگهداری خود و دیگران از خطر فتنه‌هاست.

□ تقویت دین و ایمان، اطاعت از خدا، نیکوکاری، غیرتمندی، حفظ و تداوم هدف، در جهاد همیشگی با نفس و تهذیب. اما آخری نکته این است که، تو بنده‌ی پاک خدا باش، مهدی (عج) خود به سراغ تو خواهد آمد.

والحمد لله رب العالمین

۱۱ شعبان ۱۴۲۲

۱۳۸۰/۸/۶